

تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج‌البلاغه

عبدالله عراقی^۱، رضا جلالی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۵

چکیده

نظر به اهداف متعالی نظام اسلامی، تضاد منافع نظام اسلامی با جبهه استکبار، نقش مکتب حیات بخش اسلام در معادلات سیاسی جهان، جایگاه نظام سیاسی اسلام در ساختار ژئوپلیتیک و ساختار ژئواستراتژی جدید جهان، پیچیدگی رفتار بازیگران در حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و تجارب تلخ تاریخ اسلام در ادوار گذشته از یک سو و از سوی دیگر نظر به چشم‌اندازی که مصحف شریف نهج‌البلاغه در خصوص تهدیدات متصور برای نظام اسلامی ترسیم نموده؛ موضوع این نوشتار «تهدیدات نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج‌البلاغه» می‌باشد. نوشتار حاضر بر آن است تا با مطالعات اکتشافی در آن منبع بی‌بدیل با بهره‌گیری از متد علمی رایج، علاوه بر تبیین تهدیدات متصور بر امنیت نظام اسلامی راهبردهای دفع تهدیدات فوق را از نهج‌البلاغه احصاء و ارائه نماید. این تحقیق که نتیجه یک طرح پژوهشی است؛ از حیث هدف تحقیقی کاربردی، از حیث سطح تحلیل برخوردار از ماهیتی توصیفی-استنتاجی، از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش، کتابخانه‌ای اسنادی است. اطلاعات مورد نیاز پس تعیین شاخصها با مطالعات اکتشافی در آن منبع؛ مصادیق آن احصاء گردید. در راستای جمع‌آوری اطلاعات و سازماندهی نوشتار سه سؤال زیر طرح گردید:- تهدیدات پیش‌روی نظام اسلامی از منظر نهج‌البلاغه برخوردار از چه ابعادی است؟- هر بُعد از تهدید برخوردار از چه شاخص‌های است؟- نهج‌البلاغه در راستای مقابله با تهدیدات فوق چه راهبردهای ارائه نموده‌است؟ محقق براین باور است نظر به نگاه بسیط و ژرف نهج‌البلاغه به تهدیدات و راهبردهای مقابله با آن؛ علاوه بر پیشگیری از حوادث گذشته، پنج سطح امنیت در حوزه: امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی، امنیت اعتقادی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد. که منجر به توسعه قلمرو همه جانبه برای نظام سیاسی می‌گردد.

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع) abdollah42.a@gmail.com

^۲ - عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

کلیدواژه‌ها: سرمایه فکری، سنجش سرمایه فکری، سازمان‌های فناوری محور.

مقدمه

تهدید یک واقعیت زندگی است که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌رسد؛ شکل‌گیری این پدیده متأثر از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان چون تعقل، تفکر، تدبیر، تصمیم، و ... می‌باشد. آموزه‌های دینی وقوع این پدیده را متأثر از اهداف راهبردی و گرایش‌های دو جبهه حق و باطل می‌داند این مهم را قرآن کریم چنین ترسیم می‌نماید: (الف) جبهه حق: «... اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ - ترجمه: خدا دوست کسانی است که ایمان آورده‌اند و ایشان را از تاریکی‌ها (کفر) بسوی روشنایی هدایت می‌کند» (ب) جبهه باطل: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ - ترجمه: و آنانکه کفر ورزیدند آن طاغوت، کافران را از روشنایی بسوی تاریکی‌ها (گمراهی) هدایت می‌کند...» (قرآن کریم، بقره: ۲۵۷) رهبران دو جبهه در راستای تحقق اهداف متصور نظر به ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی از ظرفیت در اختیار حداکثر بهره‌برداری را به عمل می‌آورند. که صاحب‌نظران این فرایند را زمینه شکل‌گیری تهدید و صف آرائی دو جبهه می‌دانند. حضرت علی (ع) واقیعت فوق را چنین بیان می‌فرماید: «... حَقٌّ وَبَاطِلٌ، وَ لِكُلِّ أَهْلٍ - ترجمه: حق و باطل همیشه در پیکارند و برای هر کدام طرفدارانی است...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۶: فراز ۵) حضرت در راستای ایجاد ظرفیت در نظامی اسلامی برای مقابله با تهدیدات استکبار چشم‌انداز تهدیدات همه‌جانبه استکبار را چنین ترسیم می‌فرماید: «... (الف) تهدید امنیتی (ترور): فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا - قوم ما (قریش) آهنگ کشتن پیامبر ما کردند. (ب) تهدید اعتقادی: وَاجْتِيَا حِ اصْلَانَا - خواستند که ریشه ما برکنند. (ج) تهدید سیاسی: وَهَمُّوا بِنَا الْهُمُومَ، وَفَعَلُوا - پس درباره ما بارها نشستند و رأی زدند و بسا کارها کردند. (د) تهدید اجتماعی: بِنَا الْأَفَاعِيلَ، وَ مَنَعُونَا الْعَذْبَ، وَأَحْلَسُونَا الْخَوْفَ - از زندگی شیرین منع‌مان نمودند و با وحشت دست به گریبانمان ساختند. (ه) تهدید اقتصادی: وَاضْطَرُّونَا إِلَى جَبَلٍ وَعَرِيٍّ - ما را وادار کردند که برکوهی صعب زیستن گیریم. (و) تهدید نظامی: وَ أَوْ قَدُوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ - سپس برای ما آتش جنگ افروختند...» (خان احمدی، ۱۳۹۵: ۵۵)

۲-۱. بیان مسئله: خلقت انسان به گونه‌ای است که پیچیدگی‌ها و تعارضات را درک؛ و همواره برای حل تعارضات تلاش می‌نماید. تعارض با برخی انسان‌ها، اشیاء و محیط از مصادیق و موارد مختلف درک تعارضات است. کمترین درجه تعارض، درک هر نوع اختلاف و تمایز یا شکاف بین خود و غیر خود است. و بیشترین تعارض درک حالتی است که وجود هر یک از خود یا غیر خود را درک کند. در چنین حالتی انسان بیشترین خطر را احساس نموده؛ و برای رسیدن به آرامش ممکن است راه حل‌های مختلفی را تصور کند. این واقیعت را حضرت علی (ع) در سال ۳۷ ه. ق در جمع رزمندگان نبرد صفین چنین

تسبین می‌فرماید: «... وَ قَدْ قَلَّبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنُهُ وَ ظَهَرَهُ حَتَّى مَنَعَنِي النَّوْمَ فَمَا وَجَدْتُنِي يَسْعَى إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (□) فَكَأَنْتَ مُعَالِجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالِجَةِ الْعِقَابِ - ترجمه زیر و روی کار را بر رسیدم (به گونه‌ای که خواب از چشمم برید). دیدم یا باید با این قوم بجنگم یا آنچه را محمد (□) آورده انکار کنم. پس، جنگ با آنان را از عذاب خدا آسانتر یافتم...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۵۴: فراز ۲-۳)

اگر تهدید عبارت از: «وضع یا حالتی که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات نسبت به پدیده‌ها و رابطه آنها با بقاء کمیت و کیفیت ارزش‌های اساسی و مورد احترام بر وجود خطر جدی یا امکان نابودی آن ارزش‌ها باشد» (دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۰۳) با توجه به تعابیر فوق در یک نگاه کلی می‌توان گفت: تهدید یک حالت و وضعیت خاص است که موضوعاتی مانند قدرت، کیفیت زندگی، حاکمیت، دولت، اهداف و منافع را به عنوان ارزش‌های مورد احترام جامعه هدف قرار می‌دهد. اگر چه طرح هریک از موارد فوق بیانگر رویکرد خاصی در امنیت و تهدید امنیتی است اما از منظر مفهوم‌پردازی تهدید، همه این موضوعات را نشان می‌دهد. به عبارتی در تهدید همواره ارزش یا ارزش‌های مورد توجه می‌باشد. (بوزان، ۱۳۸۲: ۳۳) براین اساس تهدید، زمانی تهدید تلقی می‌شود که ارزش‌های امنیتی یا ارزش‌های حیاتی که در واقع مرکز ثقل امنیت هر سیستم یا ساختار سیاسی است هدف قرار گیرد. این مرکز را مرجع امنیت^۱ می‌نامند. مرجع امنیت چیزی است که امنیت آن باید ضرورتاً تأمین شود (ادوارد، ۱۳۷۹: ۳۶۶) به عبارت دیگر: «مهمترین چیزی که باید از تهدید مصون بماند. (تریف، ۱۳۸۳: ۱۳) در واقع مرجع امنیت شاخص مهمی برای درک وضع امنیتی در هر سیستم مفروض می‌باشد، مرجع امنیتی بشدت با ارزش‌ها و آرمان‌های بنیادین ارتباط دارد؛ لذا مراجع امنیتی متفاوتی متصور است: در مکتب فردگرائی و نظریات امنیتی انسانی^۲، مرجع امنیت متمرکز بر فرد است. که در دین اسلام از آن تعبیر به «خليفة الله» گردیده؛ لذا آن را دلیلی بر تقدم فرد و امنیت انسانی می‌دانند؛ در امنیت اجتماعی، جامعه مرجع امنیت می‌باشد. از منظر نهج‌البلاغه که نگاهی کامل و جامع به سعادت انسان و جامعه دارد؛ و تحقق سعادت و مقام قرب الهی انسان را همه جانبه می‌پندارد؛ به تمام مراجع امنیتی توجه شده با این تفاوت که رتبه هر مرجع امنیتی متناسب با وضعیت و شرایط تعیین می‌شود. در خطبه ۱۱۹ جایگاه امام به عنوان محور مرجع امنیت همه جانبه چنین معرفی شده: «الف) امنیت اعتقادی: وَ إِنَّمَا أَنَا قُطْبُ الرَّحَى مَنَ بِهِ مَنْزِلَهُ محور این آسیاب (ب) امنیت سیاسی: تَدْوَرُ عَلَيَّ وَ أَنَا بِمَكَانِي - که در جای خود ثابت است و آسیاب به گرد آن می‌چرخد، ج) امنیت اجتماعی: فَإِذَا فَارَقْتَهُ اسْتَحَارَ مَدَارُهَا، وَ اضْطَرَبَ تِفَالُهَا - و اگر از جای کنده شود،

گردش چرخ زبرین آشفته شود و سنگ‌زیرین از جای بشود (دشتی، ۱۳۶۵، خطبه ۱۱۹: فراز ۳) در فرازی از خطبه ۱۹۸ دین اسلام مرجع امنیتی معرفی شده؛ در جای مرجع امنیت را اقتصاد... می‌دانند نظر به مطالب فوق موضوع این نوشتار «تهدیدات پیش‌روی نظام اسلامی و راهبردهای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه» می‌باشد

۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

۱-۳-۱. تأکید قرآن کریم مبنی بر اینکه ... الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ-ترجمه: من امروز کامل گردانیدم برای شما دینتان را و تمام کردم بر شما نعمت خود را و پسندیدم برای شما که اسلام دین شما باشد... «(قرآن کریم، سوره مائده: آیه ۳)

۱-۳-۲. کمک به سیاستمداران برای ایجاد امنیتی پایدار مبتنی بر آموزه‌های دینی و فطرت انسانی

۱-۳-۳. زمینه‌سازی برای توسعه فعالیت‌های پژوهشی در این حوزه

۱-۳-۴. تکمیل نظرات ارائه شده در گذشته پیرامون موضوع فوق.

۴-۱. پیشینه تحقیق: با مطالعات اکتشافی صورت گرفته مشخص گردید که تاکنون فعالیت

پژوهشی با چنین عنوانی صورت نگرفته و پژوهش فوق نوشتار نو و بدیع است. اما بعضی فعالیت‌های پژوهشی صورت گرفته مرتبط با موضوع به شرح زیر است:

۱-۴-۱) مقاله‌ای با عنوان: «نگاهی به امنیت از منظر امیرالمؤمنان (ع)» به قلم آیت‌الله در نجف آبادی،

که در نشریه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی به چاپ رسیده. در نوشتار فوق با بهره‌گیری از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها موضع امنیت را به عنوان یک مفهوم وسیع، متوازن و عمیق که شامل همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ... انسان می‌شود؛ مورد تأکید قرار گرفته است.

۱-۴-۲) مقاله‌ای با عنوان «امنیت پایدار از منظر نهج البلاغه» به قلم اسماعیل خان احمدی که در فصلنامه

علمی-پژوهشی آفاق امنیت به چاپ رسید. در این نوشتار محقق با طرح این سؤال که: مبانی، چارچوب و اصول امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام^۱ از منظر نهج البلاغه چیست؟ اقدام به احصاء موارد فوق از نهج البلاغه نموده در پایان با توجه نتایج؛ پیشنهاداتی ارائه نموده است.

۱-۴-۳) مقاله‌ای با عنوان: «رویکرد امنیت داخلی در مقابله با تهدید نرم» به قلم آقایان حسین ذوالفقاری

و همکار که در نشریه علمی-پژوهشی مطالعات دفاعی استراتژی دانشگاه دفاع ملی به چاپ رسید.

درنوشته‌ها فوق با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و مباحثی چون: اعتقادات و باورهای دینی، مشروعیت و مقبولیت نظام اسلامی راه کار مقابله با این تهدید ارائه شده‌است.

۱-۵. **سؤالات تحقیق:** نظر به موضوع تحقیق دو سطح سؤال به شرح زیر طرح گردید:

۱-۵-۱): سؤال یکم از منظر نهج‌البلاغه چه تهدیداتی برای امنیت نظام اسلامی متصور است؟

۱-۵-۲) سؤال دوم: از منظر نهج‌البلاغه هرکدام از ابعاد تهدید برخوردار از چه شاخص‌های هستند؟

۱-۵-۳) سؤال سوم: نهج‌البلاغه چه راهبردهای را در قبال تهدیدات فوق ارائه نموده است؟

۱-۶. **نوع و روش تحقیق:** تحقیقات علمی بر مبنای هدف، ماهیت و روش، تقسیم بندی می‌شوند.

(حافظ نیا، ۱۳۸: ۵۸)

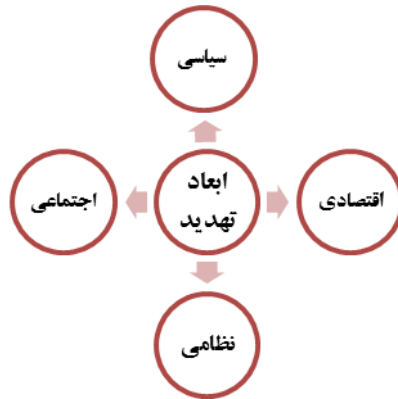
۱-۶-۱. **نوع تحقیق:** پژوهش حاضر از لحاظ طرح تحقیق، آینده‌نگری است. نظر به اینکه هدف پژوهش یافتن پاسخ برای حل مسأله است، این تحقیق در زمره تحقیقات، نتیجه‌گرا است. این پژوهش از لحاظ هدف؛ نظر به اینکه با بهره‌گیری از کتاب نهج‌البلاغه؛ از یک سو ابعاد و شاخص‌ها تهدید تبیین می‌شود و از سویی نظر به اینکه نتایج حاصله از پژوهش در سطوح مختلف مدیریتی قابل بهره‌برداری است؛ در زمره تحقیقات توسعه‌ای-کاربردی محسوب می‌شود.

۱-۶-۲. **روش تحقیق:** این پژوهش از حیث هدف، تحقیقی کاربردی، از حیث سطح تحلیل، تحقیقی توصیفی-استنباطی و از حیث طبقه‌بندی و روش متکی به روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری و مراجعه به تار نماهای اینترنتی می‌باشد.

۲. **چارچوب نظری تحقیق:** نهج‌البلاغه مرجع و منبع علمی بی‌مانندی است که بیش از صدها اثر شگرف از آثار اندیشه‌های والا و سترگ حضرت علی(ع) اعم از خطبه، حدیث، نامه، وصیت‌نامه، موعظه، کلمات قصار، فرمان‌های حکومتی را در ابعاد اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، روحی-روانی، مدیریتی، ... با رویکردهای امنیتی به همراه دستورالعمل‌های هر بُعد در کنار هم گرد آورده‌است؛ که هرکدام از مباحث یک چشم‌انداز مطلوب برای تحقق اهداف متعالی نظام اسلامی باشد. در این مرجع امنیت و تهدیدات امنیتی به صورت مستدل، منطقی، دقیق و کاربردی مطرح شده؛ به گونه‌ای که به جرأت می‌توان ادعا کرد که متون تدوین شده در این حوزه برگرفته از مباحث مطرح شده در این مرجع است. لذا محقق برآن است تا تهدیدات متصور بر امنیت نظام اسلامی را به منظور ارائه راهبرد از نهج‌البلاغه احصاء و تدوین نماید.

سؤال یکم: از منظر نهج‌البلاغه چه تهدیداتی برای امنیت نظام اسلامی متصور است؟ با نگرش اجمالی به زندگی انسان، این واقعیت قابل استنباط است که جمعی زیستن جزء جدائی ناپذیر زندگی انسان است.

از سوی وجود انگیزه‌ها، گرایش‌ها، اهداف متضاد انسان در زندگی جمعی، و همچنین جاذبه‌ها و منافع شخصی و اجتماعی، مادی و معنوی، میلی یا منطقی، دنیوی یا اخروی، مکاتب را به تکاپو، تلاش و تحرک در امور و ادار می‌کند که ضرورتاً هم سو و هماهنگ با یکدیگر نبوده، و به مقصد مشترکی رهنمون نیست. چنین فرایندی منجر به شکل‌گیری تعارضات و وقوع تهدیدات می‌گردد. نظر به سخن حضرت علی (ع) که می‌فرماید: «فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا، وَاجْتِيَا حَ أَصْلِنَا، وَهَمُّوا بِنَا أَلْهُمُومَ، وَفَعَلُوا بِنَا أَلْفَاعِيلَ، وَ مَنَّعُونَا الْعَذْبَ، وَأَحْلَسُونَا الْخَوْفَ، وَأَضْطَرُّونَا إِلَى جَبَلٍ وَعُغْرٍ، وَأَوْ قَلَدُوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ...» ترجمه قوم ما (قریش) آهنگ کشتن پیامبر ما کردند، خواستند که ریشه ما برکنند، پس درباره ما بارها نشستند و رأی زدند، و بسا کارها کردند، از زندگی شیرین منع‌مان نمودند، و با وحشت دست به گریبانمان ساختند، ما را وادار کردند که برکوهی صعب زیستن گیریم، سپس برای ما آتش جنگ افروختند...» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، جلد ۵: ۱۰۹) و الگوهای تهدید شناسی؛ مدل مفهومی ابعاد تهدید از منظر نهج البلاغه را می‌توان به شرح زیر ترسیم نمود:



مدل مفهومی ابعاد تهدید از منظر نهج البلاغه

سؤال دوم: از منظر نهج البلاغه هر بُعد تهدیدات برخوردار از چه شاخص‌های است؟ در راستای ارائه پاسخی مستدل و منطقی به سؤال فوق سؤالات زیر طرح گردید.

۱-۲) از منظر نهج البلاغه برای تهدیدات فرهنگی-اجتماعی چه شاخص‌های مترتب است؟ امنیت فرهنگی-اجتماعی ناظر بر آرامش و آسایش و رفاه مادی و معنوی جامعه توأم با عدالت اجتماعی، فقدان تبعیض و فقر، برقراری نظم اجتماعی و پایداری دولت و حکومت و آحاد ملت به قانون و حقوق قانونی، روابط حسنه بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی، تبعیض مالکیت و دارائی آحاد مردم از دستبرد، حفظ جان، مال و ناموس مردم از تعرض، فقدان ناهنجاری اجتماعی و فساد، استقرار نظام بهینه تأمین اجتماعی و رسیدگی

به امور نیازمندان و نظایر آن می‌باشد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۳۱) این بُعد امنیت به امکان تداوم و تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم و هویت ملی مربوط است. در این حوزه مرجع تهدید جامعه می‌باشد. لذا تهدیدات این حوزه هویت ملی و گروه‌های اجتماعی را هدف قرار می‌دهد. براساس مطالعات اکتشافی در نهج البلاغه شاخص‌های تهدید بُعد فرهنگی-اجتماعی به شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود

الف) انحرافات: این شاخص با ویژگی ارزش محوری؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن قادر به سرنگونی نظام می‌باشد. نظر به نقش مخرب این شاخص در شکل‌گیری حادثه ننگین حکمیت؛ حضرت علی (ع) مسلمانان را چنین هشدار می‌دهند: «... أَنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْقَتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدِئُ خَالَفَ فِيهَا كِتَابُ-ترجمه: جز این نیست، که آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هواهای نفسانی است و نیز بدعت‌هایی که گذاشته می‌شود، بدعت‌هایی بر خلاف کتاب خدا...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۵۰، فراز ۱)

ب) تفرقه: این شاخص با ویژگی نسبی؛ و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن به شدت امنیت نظام را به مخاطره می‌اندازد. نظر به نقش شاخص فوق در شکست سپاه اسلام در حمله ضحاک ابن‌قیس به کاروان حجاج و غارت اموال؛ حضرت چنین هشدار می‌دهند: «... النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أُبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُهُمْ يُوْهَى الصَّمَّ الصَّلَابَ وَفِعْلُكُمْ فَيُطْمِعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءُ!-ترجمه: ای مردمی که به تن‌ها مجتمعید و به آراء متفرق. سختان- هنگامی که لاف دلیری می‌زنید-صخره‌های سخت را نرم می‌کند، در حالی که، کردارتان دشمنانتان را در شما به طمع می‌اندازد» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۲۹، فراز ۱)

ج) جهالت: این شاخص با ویژگی فراگیری؛ و بارویکرد سنتی و جدید داشتن زمینه‌ساز فتنه‌ها و متزلزل نمودن نظام اسلامی است؛ نظر به ضربات جبران‌ناپذیری که نظام اسلامی از ناحیه این تهدید متحمل شده؛ حضرت در خطبه قاصعه چنین هشدار می‌دهند: «أَلَا وَقَدْ أُمِعْتُمْ فِي الْبَغْيِ، وَءَفْسَدْتُمْ فِي الْأَعْرَاضِ، مُصَارَحَةً لِلَّهِ بِالْمُنَاصِبَةِ، وَمُبَارَزَةً لِلْمَوِّ مَبِينِينَ بِالْمُحَارَبَةِ! فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبَرِ الْحَمِيَّةِ، وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مَلَاقِحُ الشَّنَانِ، وَ مَنَافِخُ الشَّيْطَانِ، اللَّاتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّمَ الْأَمْضِيَّةَ، وَالْقُرُونَ الْخَالِيَّةَ، حَتَّى أَعْتَقُوا فِي حَنَادِسِ جَهَالَتِهِ، وَمَهَاوِي ضَلَالَتِهِ ذُلًّا عَن سَبَاقِهِ -ترجمه: آگاه باشید در سرکشی و ستم زیاده روی کردید، و در زمین دشمنی با خدا به راه انداختید و آشکارا با بندگان خدا به نبرد پرداختید. خدا را، خدا را! از تکبر و خودپسندی، از تفاخر جاهلی بر حذر باشید. که جایگاه بغض و کینه و رشد و سوسه‌های شیطانی است. امت‌های پیشین و مردمان روزگاران دیرین را فریب داد، تا آنگاه که در ظلمات جهالت او و پرتگاه هلاکت او سرنگون گشتند...» (همان، ۱۹۲: ۲۷-۳۰)

د) بدعت: این شاخص با قدرت تخریب بالا و رویکرد سستی و جدید داشتن از تهدیدات مهم حوزه فرهنگ-اجتماعی است که به شدت امنیت فرهنگی را به بی ثباتی و تزلزل سوق می‌دهد. نظر به آثار سوء این شاخص بر عوام و خواص جامعه اسلامی؛ حضرت علی(□) چنین هشدار می‌دهند: «رَجُلٌ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، فَهُوَ جَائِرٌ عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ، مَشْغُوفٌ بِكَلَامِ بَدْعَةٍ وَدُعَاءِ ضَالِكَةٍ، فَهُوَ فَتَنَةٌ لِمَنْ افْتَنَّ بِهِ، ضَالٌّ عَنْ هُدًى مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، مُضِلٌّ لِمَنْ افْتَدَى بِهِ فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ، حَمَالٌ خَطَايَا غَيْرِهِ، رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ»-ترجمه: مردی که خدا او را به حال خود وا گذاشته و از راه راست دور افتاده است دل او شیفته بدعت است و مردم را گمراه کرده و به فتنه انگیزی می‌کشد؛ و راه رستگاری گذشتگان را گم کرده و طرفداران خود و آیندگان را گمراه ساخته است...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۷: فراز ۱)

ه) جاه‌طلبی: این شاخص با ویژگی وابستگی و رویکرد دفاعی و تدریجی داشتن؛ به صورت نرم امنیت جامعه را متزلزل می‌کند. شاخص فوق را حضرت علی(□) در جمع مردم بصره در جریان جنگ جمل با توجه به جاه‌طلبی عایشه چنین هشدار می‌دهد: «وَأَمَّا فَلَانَةٌ فَأَذْرِكَهَا رَأْيَ النِّسَاءِ، وَضِغْنٌ غَلَا فِي صَدْرِهَا كَمِرْجَلِ الْقَيْنِ، وَكُوْ دُعَيْتَ لِنَتَالٍ مِنْ غَيْرِي مَا أَنْتَ إِلَيَّ كَمْ تَعْمَلُ، وَلَهَا بَعْدُ حُرْمَتُهَا الْأُولَى، وَالْحِسَابُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى»-ترجمه: اما بر فلان زن، اندیشه زنانه غلبه یافت و کینه در سینه او جوشیدن گرفت، همچون بوته آهنگران که در آن فلز گدازند اگر او را فرا می‌خواندند که آنچه با من کرد با دیگری کند، نمی‌پذیرفت. به هر حال، حرمتی که در نخست داشت همچنان، بر جای است و حساب او با خداست.» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۱۵۶: فراز ۲)

و) سبک عقلی: این شاخص با ویژگی سلبی؛ و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن، نقش اساسی در تزلزل و تخریب نظام اسلامی دارد. این نقش در سال ۳۸ هجری چنین تبیین شده: «... يَا أَشْبَاهَ الرَّجَالِ وَلَا رِجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولِ رِبَاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أُرْكُمْ وَ لَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَرَّتْ نَدْمًا وَ أَعْقَبَتْ سَدَمًا فَاتَلَكُمُ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُ قَلْبِي قَيْحًا وَ شَحْتَمُ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَّعْتُ مُونِي نَعَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَى رَأْيِي بِالْأَعْيَانِ وَ الْخِذْلَانِ حَتَّى تَرْجَمَهُ: ای به صورت مردان عاری از مردانگی، با عقل کودکان و خرد زنان به حجله آرمیده، کاش نه شما را دیده بودم و نمی‌شناختم تان. این آشنایی برای من، به خدا سوگند، جز پشیمانی و اندوه هیچ نمره‌ای نداشت. مرگ بر شما باد، که دلم را مالا مال خون گردانیدید و سینه‌ام را از خشم آکنده ساختید و جام زندگیم را از شرنگ غم لبریز کردید و با نافرمانی‌های خود اندیشه‌ام را تباہ ساختید» (همان، خطبه ۲۷: ۱۳-۱۴)

ز) ریا: این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد سخت و نرم داشتن به شدت انسجام اجتماعی را متزلزل؛ و ثبات را به بی ثباتی؛ و مردم را به نفاق سوق می‌دهد. زوایای تهدید فوق را حضرت در جمع

مردم کوفه چنین تبیین می‌فرمایند: «... وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ شَمَّرَ مِنْ تَوْبِهِ وَ زَحَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ وَ اتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيْعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ. وَ مِنْهُمْ مَنْ أَفْعَدَهُ عَنْ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُنُوْلَهُ نَفْسِهِ وَ انْقِطَاعَ سَبَبِهِ فَقَصَّرَتْهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقِنَاعَةِ وَ تَزَيَّنَ بِلِبَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ وَ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَ لَا مَعْدَى -ترجمه: گروهی که دنیا را طلب می‌کند، با اعمالی که از آن آخرت است ولی آخرت را نمی‌طلبد با اعمالی که از آن دنیا است. چنین کسی خود را چون فرودستان جلوه می‌دهد، به هنگام راه رفتن گام‌های خرد بر می‌دارد، و دامن جامه کوتاه می‌کند و خویشتن به زیور صلاح و امانت می‌آراید و پرده پوشی خدا را وسیله معصیت‌ها قرار می‌دهد. و کسی است که حقارت نفس و فقدان و سیلت موجب آن شده که به طلب فرمانروایی برنخیزد، بلکه به همان حال که بوده‌است بماند. چنین کسی خود را به حيله قناعت می‌آراید و جامه اهل زهد و پرهیز می‌پوشد و حال آنکه، نه روزی را در زهد به شب آورده و نه شبی را با پرهیزگاری به روز رسانیده است» (همان، خطبه ۳۲: ۴)

ح) دنیاطلبی: این شاخص با قابلیت بالا و رویکرد دفاعی و تدریجی داشتن بشدت توان دفاعی نظام اسلامی را در مقابل تهاجم همه جانبه کاهش می‌دهد؛ نقش مخربی شاخص فوق در سال ۳۸ هجری در جمع مردم کوفه در نخیله چنین تبیین شده: «... أَمْ لَكُمْ لَقَدْ سَيِّمْتُ عِتَابَكُمْ! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا أَمِنْ الْآخِرَةِ عَوْضًا؟ وَ بِالذَّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا؟ إِذَا دَعَوْتَكُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوَّتِكُمْ دَارَتْ أَعْيُنُكُمْ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي عَمْرَةٍ، وَ مِنَ الدُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ، يُرْتَجَّ عَلَيْكُمْ حَوَارِي فَتَعْمَهُونَ -ترجمه: ملول و دل‌تنگ از شما. از این همه سرزنش‌هایتان به تنگ آمده‌ام. آیا به عوض زندگی آخرت به زندگی دنیا خشنود شده‌اید؟ آیا ذلت را جانشین عزت خواسته‌اید؟ هنگامی که شما را به جنگ دشمنان فرا می‌خوانم، چشم‌هایتان در چشمخانه به دوران می‌افتد، گویی که در لجه مرگ دست و پا می‌زیند و از وحشت آن هوش از سرتان پریده است. راه گفت و شنودتان با من بسته است و در پاسخ سخنانم، حیرت زده و سرگردانید...» (دستی، ۱۳۸۳، خطبه ۳۴: ۱) شاخص فوق بسیار حساب شده و دقیق روحيات و خُلقیات عوام و خواص جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تخریب می‌نماید. حضرت نظر نقش مخربی این شاخص در متزلزل نمودن ثبات جامعه را چنین هشدار می‌دهند: «أَعْلَى وَ هِيَ الْمَتَّصِدِيَةُ الْعُنُونُ، وَ الْجَاهِيْحَةُ الْحُرُونُ، وَ الْمَائِنَةُ الْخُنُونُ، وَ الْجَحْوُودُ الْكُنُونُ، وَ الْعُنُوْدُ الصَّادُوْدُ، وَ الْحَيُوْدُ الْمَيُوْدُ، حَالَهَا انْتِقَالٌ، وَ طَاءَتْهَا زَلْزَالٌ، وَ عِرْضُهَا ذُلٌّ، وَ جِدْهَا هَزْلٌ، وَ غُلُوْهَا سُفْلٌ، دَارٌ حَرَبٍ وَ سَلْبٍ، وَ نَهْبٍ وَ عَطْبٍ، اءْهَلْهَا عَلَى سِتَاقٍ وَ سِيَابِقٍ، وَ لِحَاقٍ وَ فِرَاقٍ قَدْ تَحَيَّرَتْ مَذَاهِبُهَا، وَ اءَعْجَزَتْ مَهَارِبُهَا، وَ خَابَتْ مَطَالِبُهَا، فَاءَسَلَمَتْهُمْ الْمَعَاوِلُ، وَ لَفْظَتْهُمْ الْمَنَازِلُ -ترجمه: آگاه باش که دنیا چونان روسپی زنی است که چهره می‌نماید و بزودی چهره

می‌پوشد. یا چون توسنی است سرکش که کس را رکاب ندهد. دروغگویی است خیانتکار، منکری است کافر نعمت. ستیزه جویی است، چون اشتیری که به راه نمی‌آید، کج می‌رود و از راه دور می‌افتد. سرشتش بی ثباتی و انتقال است از کسی به دیگر کس. قرارگاهش متزلزل و بی‌قرار است. عزت‌ش ذلت است و جد آن هزل است، بلندیش پستی است. جایگاه ربودن است و غارت و هلاکت. مردمش همواره رفتن را برپای ایستاده‌اند تا به سوی مرگ رانده شوند. اگر به یکی می‌رسند از دیگری جدا می‌افتند. راههایش همه سرگردانی و گریزگاه‌هایش، بی سرانجامی است و خواسته‌هایش به نومیادی کشنده. پناهگاه‌هایش پناه جویان را تسلیم دشمن کند و منازلش ساکنانش را بیرون افکند» (همان، خطبه ۱۹۱: ۱۴-۱۷)

ط) هواپرستی: این شاخص با ویژگی وابسته‌بودن و رویکرد عمدی و غیر عمدی داشتن از جمله تهدیدات بُعد اجتماعی است؛ که امنیت نظام را متزلزل؛ و حرکت نظام اسلامی در تحقق راه اهداف کند و متوقف نموده و بعضاً منجر به عقب نشینی می‌گردد؛ حضرت نقش مخرب شاخص فوق را در پایان جنگ جمل چنین هشدار می‌دهند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّ أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى، وَطَوْلُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصْنُدُ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَةَ» - ترجمه: ای مردم، آنچه بیش از هر چیز دیگر می‌ترسم که بدان گرفتار آید، دو چیز است، از هوا و هوس پیروی کردن و آرزوهای دراز در دل پروردن پیروی هوا و هوس از حق منحرف می‌کند و آرزوهای دراز، آخرت را از یاد می‌برد.» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۴۲: فراز ۱)

ی) فتنه: این شاخص با ویژگی هراس‌انگیزی؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن؛ از شاخص‌های تهدیدات فرهنگی - اجتماعی است که با سرعت، شدت و دقت امنیت و ثبات نظام اسلامی را هدف قرار می‌دهد. در فرازی از خطبه ۱۵۲ نقش تهدید همه جانبه شاخص فوق در متلاشی نمودن ارکان نظام اسلامی چنین تبیین شده: «ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ طَالِعُ الْفِتْنَةِ الرَّجُوفِ، وَالْقَاصِمَةُ الزُّخُوفِ، فَتَزِيغُ قُلُوبَ بَعْدَ اسْتِقَامَتِهِ، وَتَضِلُّ رِجَالَ بَعْدَ سَلَامَتِهِ، وَتَخْتَلِفُ الْأَهْوَاءُ عِنْدَ هُجُومِهَا، وَتَلْتَبِسُ الْأَارَاءُ عِنْدَ نُجُومِهَا، مَنْ أَشْرَفَ لَهَا قَصَمَتَهُ، وَمَنْ سَعَى فِيهَا حَطَمَتَهُ، يَتَكَادَمُونَ فِيهَا تَكَادَمَ الْحُمْرِ فِي الْعَانَةِ، قَدْ اضْطَرَبَ مَعْقُودُ الْجَبَلِ، وَ عَمِيَ وَجْهُ الْأَمْرِ، تَغِيضُ فِيهَا الْحِكْمَةَ، وَتَنْطِقُ فِيهَا الظُّلْمَةَ، وَتَلْقَى أَهْلَ الْبَدْوِ بِمَسْحِجِلِهَا، وَتَرْضُهُمْ بِكُلِّكَلِهَا، يَضِيعُ فِي غُبَارِهَا الْوُحْدَانُ، وَ يَهْلِكُ فِي طَرِيقِهَا الرُّكْبَانُ، تَرْدُ بِمَرِّ الْقَضَاءِ، وَتَحْلُبُ عَبِيطَ الدَّمَاءِ، وَ تَتَلِمُ مَنَارَ الدِّينِ، وَ تَنْقُضُ عَقْدَ الْيَقِينِ، يَهْرُبُ مِنْهَا الْأَكْيَاسُ، وَيَدْبُرُهَا الْأَرْجَاسُ، مِرْعَاذُ مِزَاقٍ، كَاشِفَةٌ عَنِ سَاقِ، تُقَطِّعُ فِيهَا الْأَرْحَامَ وَ يُفَارِقُ عَلَيْهَا الْإِسْلَامَ، بَرِيهَا سَقِيمٌ، وَ طَاعِنُهَا مُقِيمٌ. مِنْهَا: بَيْنَ قَيْلٍ مَطْلُولٍ، وَ خَائِفٍ مُسْتَجِيرٍ، يَخْتَلُونَ بَعْدَ الْأَيْمَانِ تَرْجَمَةً: آنگاه فتنه دیگر آشکار شود، لرزاننده و کوبنده و شتابنده. دل‌هایی که آرامش

یافته‌اند، در کشاکش تردید افتند و مردانی که به راه سلامت گام نهاده‌اند، دچار گمراهی گردند. دل‌ها و رأی‌ها به اختلاف گرایند و اندیشه نادرست و درست به هم مشتبه شوند هر کس در صدد دفع آن برآید، فروکوبدش و آن را که سعی خویش در نبود کردنش به کار برد، نابود کند. چونان گورخرانی که در گله‌اند و یکدیگر را به دندان می‌آزارند. ریسمان گره بسته، گسیخته شود و چهره حقیقت پوشیده ماند. آب چشمه‌های حکمت فروکش کند و ستمکاران را زبان بگشاید و بدویان را با آهن لجام مرکب خود، بکوبد و با فشار، سینه بر زمین زند. آن را که تکروی کند در غبار خود تباہ سازد و دلیران و نیرومندان در راه آن به هلاکت رسند. از شرنگ تقدیر، جامی بر کف دارد و چونان دوشندگان، که شیر دوشند، او خون تازه مردم را بریزد. در منار دین رخنه پدید کند و در یقین استوار مردم شکست اندازد. خردمندان و زیرکان از آن بگریزند و پلیدان و نابکاران به تدبیر کارش پردازند. چون ابری تاریک آذرخش می‌افکند و می‌غرد. دامن بر کمر زده، مهیای کارزار است. رشته خویشاوندی گسسته گردد. مردم از اسلام جدا شوند. آنکه از آن فتنه دوری گزیده، بیمار آسیب‌های آن است و آنکه خواهد آسایش را پشت سر نهاد و برود، رفتن نتواند جمعی کشته شوند و خونشان به هدر رود و گروهی ترسان در پی یافتن پناهگاهی باشند. پیمانها بندگان و فریشان دهند. و به نام ایمان مغرورشان سازند.» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۵۲: فراز ۹-۱۴)

ک) شبهات: این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن؛ از شاخص‌های تهدیدات فرهنگی-اجتماعی است که در تزلزل و سقوط نظام اسلامی نقش اساسی دارد. نقش مخربی شاخص فوق را حضرت در جمع مردم مدینه که در جریان قتل عثمان دچار شبهه شده بودند را چنین تبیین می‌فرماید: «... أَعْجَبَ مِنْ خَطِّ هَذِهِ الْفِرْقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَقْتَصُونَ أَثَرَ نَبِيِّ وَ لَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ وَ لَا يَعْفُونَ عَنْ عَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا، وَ الْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْرَعُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُبْهَمَاتِ عَلَى آرَائِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا يَرَى بَعْرِي تَقَاتٍ وَ أَسْبَابِ مُحْكَمَاتٍ-ترجمه: در شگفتم، و چرا در شگفت نباشم از خطاهای این فرقه‌های گوناگون که هر یک را هم در دین خود حجّت و دلیلی دیگر است از هیچ پیامبری پیروی نمی‌کنند و به هیچ وصی پیامبری اقتدا نمی‌نمایند و به غیب ایمان ندارند و از عیب نمی‌پرهیزند. اعمالشان شبه‌آمیز است و در طریق هواهای نفسانی خود گام می‌زنند. هر چه را که خود پسندند نیکش دارند و هر چه را که ناخوش دارند منکر شمارند. در مشکلات به افکار و اندیشه‌های خود پناه می‌برند و در مبهمات به آرای خود تکیه دارند. هر یک از آنها گویی که خود پیشوای خود است و چنان پندارد که خود محکم‌ترین دستگیره‌ها و استوارترین

ل) غفلت زدگی: این شاخص با ویژگی نسبی؛ و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن از شاخص های تهدید بُعد فرهنگی - اجتماعی است؛ که در تزلزل امنیت فرهنگی - اجتماعی نظام اسلامی نقش اساسی دارد. عملکرد مخرب شاخص فوق در جمع مردم کوفه چنین تبیین شده: «... مَا لِي أَرَأَكُمْ أَشْبَاحًا بِلَا أَرْوَاحٍ، وَ أَرْوَاحًا بِلَا أَشْبَاحٍ، وَ نَسَاكًا بِلَا صَلَاحٍ، وَ تُجَارًا بِلَا أَرْبَاحٍ، وَ أَيْقَاطًا نُومًا، وَ شُهُودًا غُيْبًا، وَ نَاطِرَةً عَمِيَاءَ، وَ سَامِعَةً صَمَاءَ، وَ نَاطِقَةً بَكْمَاءَ» - ترجمه: چیست که شما را کالبدهای عاری از جان می بینم که در نمی یابید و جان های بی کالبد که در می یابید ولی به کار نمی بندید. مردمی به ظاهر اهل عبادت ولی، ناپرهیزگار، بازرگانی سود نبرده، بیدارانی خواب گرفته، به تن حاضر و به دل غایب. توان دیدنتان هست و چون کوران نمی بینید. توان شنیدنتان هست و چون کران نمی شنوید. توان سخن گفتنتان هست چون لالان، هیچ، نمی گوید...» (همان، خطبه ۱۰۸: ۷-۸)

م) تبعیت از شیطان: این شاخص با ویژگی پنهانی و ظریف؛ و با رویکرد سخت و نرم داشتن؛ قادر به ایجاد خطرات جدی برای نظام اسلامی است نقش تخریبی گسترده و عمیق این شاخص را حضرت چنین تبیین نموده اند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْتَنَى لَكُمْ طَرَفَهُ، وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ غُذَّةً غُذَّةً، وَ يُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ، وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ» - ترجمه: شیطان راه خود را برایتان هموار نموده، می خواهد گره رشته ایمانتان بگسند و به جای اتحاد کارتان را به تفرقه کشد و فتنه و فساد برانگیزاند. (همان، خطبه ۱۲۱: ۸) عملکرد مخرب این شاخص در منحرف نمودن خواص؛ چنین بیان شده: «قَدْ اصْطَلَحْتُمْ عَلَى الْغُلِّ فِيمَا بَيْنَكُمْ، وَ نَبَتَ الْمَرْعَى عَلَى دِمْنِكُمْ، وَ تَصَافَيْتُمْ عَلَى حُبِّ الْأَمَالِ، وَ تَعَادَيْتُمْ فِي كَسْبِ الْأَمْوَالِ، لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكُمْ الْحَيِّثُ، وَ تَاءَ بِكُمْ الْعُرُورُ» - ترجمه: شما در کینه ورزی میان خود مصالحه کرده اید. دوستی هایتان همانند گیاهی است که در پارکین می روید، با ظاهری سبز و خرم و باطنی بدبو و رنج آور، اگر با یکدیگر راه صفا و دوستی می سپرید، انگیزه آن دوستی، آمال و آرزوهاست و اگر با یکدیگر دشمنی می ورزید به انگیزه گرد آوردن مال و خواسته است. شما را آن ناپاک، (یعنی شیطان) سرگردان ساخته و، فرییش، گمراه کرده. (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۳۳: ۱۰)

ن) نفاق: این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد دفعی و تدریجی داشتن، امنیت را به هرج و مرج مبدل می سازد. نقش و نوع تأثیر این تهدید در جمع مردم کوفه چنین ترسیم شده: «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَ أَحْذَرِكُمْ أَهْلَ النِّفَاقِ، فَإِنَّهُمْ الصَّالُونَ الْمُضِلُّونَ، وَ الزَّالُونَ الْمُرِئُونَ، يَلْوُثُونَ الْوَأَانَ، وَ يَفْتَنُونَ أَفْتِنَانًا، وَ يَعْمِدُونَكُمْ بِكُلِّ عِمَادٍ، وَ يَرْصُدُونَكُمْ بِكُلِّ مَرْصَادٍ» - ترجمه: ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می کنم و از منافقان بر حذر می دارم. منافقان، گمراهان و گمراه کنندگان اند. خود خطا کارند و دیگران را هم به خطا اندازند. هر بار رنگی به خود گیرند و هر روز سخنی دیگر گویند و شیوه ای دیگر

انگیزند و تا شما را گمراه کنند به هر وسیله چنگ می‌زنند و در هر جا به کمین می‌نشینند...» (همان، خطبه ۱۹۴: ۴-۶)

۲-۲. از منظر نهج‌البلاغه برای تهدیدات اقتصادی چه شاخص‌های مترتب است؟ امنیت اقتصادی ناظر بر روند طبیعی و رو به رشد فرآیندهای اقتصادی و نهادهای تولید، توزیع و مصرف، حیات فعال و بدون دغدغه بنگاه‌های اقتصادی، مالی، بانکی، سرمایه‌ای و بیمه‌ای در بخش‌های عمومی، دولتی و خصوصی، تعامل سازنده با سیستم اقتصادی بین‌المللی و روند فزاینده مبادلات و داد و ستد در بازار تجارت بین‌المللی و ... می‌باشد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۳۱) این بُعد امنیت تحت تأثیر رفتار بازیگرانی از جمله: افراد، گروه‌های صاحب نفوذ، نهادهای بین‌المللی معارض، با مشکلات متعدد و تهدیدات گسترده مواجه می‌گردد. براساس مطالعات اکتشافی در نهج‌البلاغه اهم شاخص‌های بُعد تهدید اقتصادی به شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود

الف) فساد اقتصادی: این شاخص با ویژگی منفی؛ و رویکرد سخت و نرم داشتن؛ نقش اساسی در کاهش سطح همکاری مردم با نظام و خارج شدن پول از مسیر تولید به سمت مشاغل کاذب دارد. از سوی گسترش این تهدید در سطوح مختلف؛ سلب امنیت عمومی در سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. نظر به این عملکرد مخرب، حضرت عیدالله ابن عباس را که مرتکب چنین بداخلاقی شده بود را اینگونه سرزنش کردند: «فَلَمَّا أَمَكَّتْكَ الشَّدَّةُ فِي خِيَانَةِ الْأُمَّةِ أَسْرَعْتَ الْكُرَّةَ وَعَاجَلْتَ الْوَيْبَةَ وَاخْتَطَفْتَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ الْمَصُونَةَ لِأَرْوَابِهِمْ وَائْتَاهِهِمْ اخْتِطَافَ الذَّنْبِ الْأَزَلِّ دَائِمِيَّةَ الْمُعْزَى الْكَسِيرَةِ، فَحَمَلْتَهُ إِلَى الْحِجَازِ رَحِيبَ الصَّدْرِ تَحْمِلُهُ غَيْرَ مَتَأْتِمٍ مِنْ أَخَذٍ-ترجمه: چون فرصت به دست آوردی به مردم خیانت کردی و شتابان، تاخت آوردی و برجستی و هر چه میسرت بود از اموالی که برای بیوه زنان و یتیمان نهاده بودند، برگرفتی و بربودی انسان، که گرگ تیز چنگ بز مجروح را می‌رباید. اموال مسلمانان را به حجاز بردی، بادی آسوده، بی آنکه خود را در این اختلاس گناهکار پنداری» (شسروانی، ۱۳۹۱: نامه ۴۱: ۵) نظر به اینکه این تهدید پول ملی را از مسیر تولید خارج؛ به سمت ثروت اندوزی سوق می‌دهد حضرت پس از تشکیل حکومت اولین اقدام اقتصادی را معطوف به این مهم نمود. لذا مفسدین این حوزه را چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: «وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النَّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ،-ترجمه: به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی ببابم، آن را به صاحبش باز می‌گردانم، هر چند، آن را کابین زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان.» (دشتی، ۱۳۸۱: ۸۸)

د) رکود اقتصادی: این شاخص با ویژگی فراگیری؛ و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن؛ بخش قابل ملاحظه‌ای از چرخه فعالیت‌های اقتصادی را راکد؛ و سیستم اقتصادی را مختل نموده. حضرت نقش تخریبی

این شاخص در نظام اقتصادی کشور را به مالک اشتر چنین گوشزد می‌نمایند: «... وَأَهْلِيهِ. وَلَيْكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ، لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَجَ بغيرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ، وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ وَلَمْ يَسْتَقِيمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا-ترجمه: باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد. که خراج جزء با آبادانی فراهم نمی‌گردد. و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی و مزارع به دست آورد. شهرها را خراب، بندگان خدا نابود، و حکومتش جزء اندک مدتی دوام نیاورد.» (همان، نامه ۵۳: فراز ۸۰)

ه) احتکار: این شاخص با ویژگی هراس‌انگیزی، و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن؛ در متزلزل نمودن ثبات جامعه و نظام نقش اساسی دارد. نظر به نقش تخریبی این شاخص، حضرت مالک اشتر را چنین هشدار می‌دهند: «... وَ تَقَدَّ أُمُورُهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكِ وَ اعْلَمْ مَعْدَكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شَحَا قَيْبًا وَ احْتِكَارَ الْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مُضْرَّةٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَدِ. فَامْنَعْ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَنَعَ مِنْهُ وَ لَيْكُنْ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ اسْعَارًا لَا تَجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنْ وَأَعْوَانِكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَمَنِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنْ الْقَوِي غَيْرَ مُتَمَنِّعٍ-ترجمه: در کارشان نظر کن، خواه در حضرت تو باشند شهرهای تو. با این همه بدان که بسیاری از ایشان را روشی ناشایسته است و حریص‌اند و بخیل. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بهاء می‌گذارند، با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند. پس از احتکار منع کن که رسول‌الله (ﷺ) از آن منع کرده‌است و باید خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل، به گونه‌ای که در بهانه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آنکه احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، کيفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد ولی کار به اسراف نکشد.» (همان، نامه ۵۳: فراز ۹۹)

و) رانت اقتصادی: این شاخص با ویژگی نسبی و رویکرد سستی و جدید؛ امنیت اقتصادی نظام اسلام را متزلزل می‌کند. نظر به آثار مخرب این عمل؛ حضرت شریح قاضی را چنین سرزنش می‌کنند: «... بَلَّغْنِي أَنَّكَ ابْتِغْتَ دَارًا بَنَّمَانِينَ دِينَارًا وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا وَ أَشْهَدْتَ فِيهِ شُهُودًا. فَقَالَ لَهُ: شَرِيحُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ فَانظُرْ إِلَيْهِ نَظْرَ الْمُغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا شَرِيحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ يَبْتِيكَ حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا، وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا، فَانظُرْ يَا شَرِيحُ لَا تَكُونَ ابْتِغْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتَ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ خَلَاكِكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ-ترجمه: شنیده‌ام خانه‌ای خریده‌ای به هشتاد دینار و برای آن قباله نوشته‌ای و چند تن را هم به شهادت گرفته‌ای.

شریح گفت چنین است یا امیرالمؤمنین. حضرت به خشم در او نظر کرد، سپس فرمود: ای شریح، زودا که کسی بر سر تو آید که در قبالات ننگرد و از شاهدانت نپرسد، تا از آنجا براندت و بی هیچ مال و خواسته‌ای به گورت سپارد. پس، ای شریح، بنگر، نکند که این خانه را از دارایی خود نخریده باشی، یا نقدی که بر شمرده‌ای از حلال به دست نیامده باشد. که اگر چنین باشد هم در دنیا زیان کرده‌ای و هم در آخرت» (همان، نامه ۳ فراز ۱-۴) حضرت این مهم را به اشعث بن قیس والی آذربایجان چنین هشدار می‌دهند: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ، وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرَعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَقْتَاتَ فِي رَعِيَّةٍ، وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بَوَيْقَهُ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَأَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ وَ أَلْعَى أَنْ لَا أَكُونَ شَرًّا وَلَا تَكَلَّكَ، وَ السَّلَامُ. ترجمه: در دستان تو مالی است از اموال خداوند، عز و جل، و تو خزانه‌دار هستی تا آن را به من تسلیم کنی. امید است که من برای تو بدترین والیان نباشم. و السلام.» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: نامه ۵)

۲-۳. از منظر نهج‌البلاغه برای تهدیدات سیاسی چه شاخص‌های مترتب است؟ امنیت سیاسی یعنی ثبات سیاسی و حفظ حکومت، موجودیت کشور و ملت، وحدت، انسجام و آشتی ملی و تعامل سازنده بین گروه‌ها و نخبگان سیاسی می‌باشد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۳۰) امنیت سیاسی شامل ثبات سازمانی دولت‌ها، حکومت‌ها و ایدئولوژی مشروعیت بخش به حکومت می‌باشد. زمینه‌های تهدید این بُعد پیچیدگی رفتار بازیگرانی چون: شخصیت‌ها، گروه‌ها، احزاب، نهادهای رسمی و غیر رسمی سازمان‌های داخلی و بین‌المللی؛ و دولت‌ها را می‌باشد تهدیدات سیاسی ثبات، ایدئولوژی، و ارزش‌های برآمده از نظام سیاسی را هدف قرار می‌دهد. حضرت علی^(ع) نقش تهدید سیاسی در تزلزل امنیت نظام را در یک نگاه کلی چنین تبیین نموده‌اند: «... وَ مَعَ أَيِّ إِمَامٍ بَعْدِي تَقَاتِلُونَ الْمَعْرُورُ وَاللَّهِ مَنْ عَرَّرْتُمُوهُ وَمَنْ فَازَ بِكُمْ فَقَدْ فَازَ وَاللَّهِ بِالسَّهْمِ الْأَخْيَبِ وَمَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلٍ - ترجمه: بعد از من با کدام امام با دشمن پیکار می‌کنید به خدا سوگند، فریب خورده کسی است که شما او را به وعده دروغ بفریبید. هر که پندارد که به نیروی شما پیروز می‌شود، همانند کسی است که آن تیر از تیرهای قمار نصیب او شود که سودش از همه کمتر است و هر که شما را چون تیر به سوی دشمن افکند، تیر شکسته بی‌پیکان را در کمان رانده...» (دشتی، ۱۳۸۳: خطبه ۲۹ فراز ۴) براساس مطالعات اکتشافی در نهج‌البلاغه اهم شاخص‌های تهدید سیاسی به شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود.

الف) تجزیه طلبی: این شاخص با ویژگی انفعالی؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن؛ وحدت و قدرت نظام اسلامی را بشدت تضعیف می‌کند. حضرت علی^(ع) در سال ۴۰ هجری در هنگام شکست‌های بی‌درپی که متأثر از چنین تهدیدی بود مسلمانان را چنین خطاب نموده‌اند: «... مَا هِيَ إِلَّا الْكُوفَةُ أَقْبَضُهَا وَ

أَسْطُهَا، إِنَّ لَمْ تَكُونِي إِلَّا أَنْتِ تَهْبُ أَعَاصِيرُكَ فَفَبَحَكَ اللَّهُ-ترجمه: برای من جز کوفه قلمروی باقی نمانده است. تنها بست و گشاد کارهای کوفه است که با من است...» (شیروانی، ۱۳۹۱: خطبه ۲۵، فراز اول) در مناسبتی دیگر شاخص فوق چنین تبیین شده: «...كَأَنِّي بِكَ يَا كُوفَةَ تَمَدِّينَ مَدَّ الْأَدِيمِ الْعَكَاطِيَّ تُعْرِكِينَ بِالنَّوْازِلِ وَ تُرْكِبِينَ بِالزَّلَازِلِ-ترجمه: ای کوفه، گویی می بینمت که چون چرم عکاظی، از هر طرف کشیده شوی. و پامال حوادث گردی و به بلاها گرفتار آیی...» (همان: خطبه ۴۷)

ب) فقدان مشارکت: این شاخص با ویژگی سلبی؛ و رویکرد دفاعی و تدریجی داشتن؛ ثبات نظام را به چالش کشیده و دشمنان را تحریک می نماید. حضرت این نقش مخرب را چنین هشدار می دهند: «... هَذَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حِينَئِذٍ أَمَرْتُكُمْ بِمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ حَمَلْتُمْ عَلَيَّ الْمَكْرُوهَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرٌ- ترجمه: این است جزای کسی، که آنچه را که بر آن پیمان بسته به کار نبندد. به خدا سوگند، هنگامی که شما را فرمان دادم به آنچه فرمان دادم، شما را به کاری ناخوشایند وا داشتم ولی، کاری بود که خدا خیر شما را در آن نهاده بود» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۱۲۱: فراز ۱)

ج) ضعف حاکمیت (مقبولیت مشروعیت): این شاخص با ویژگی ارزش محوری؛ و رویکرد سستی و جدید داشتن؛ اختلال گسترده در امنیت نظام اسلامی ایجاد می کند، نقش مخرب شاخص فوق چنین تبیین شده: «... أَمَا بَعْدَ فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرِبِ تَوْرَثَ الْحَسْرَةَ وَ تَعَقِبُ النَّدَامَةَ-ترجمه: اما بعد بدانید که نافرمانی نیکخواه مهربان و دانای مجرب، موجب حسرت است و پشیمانی پی در پی دارد» (همان، خطبه ۳۵: فراز ۲)

د) ضعف انسجام ملی: این شاخص با ویژگی سلبی؛ و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن؛ نقش بالای در تضعیف امنیت دارد. نظر به ایجاد وضعیت فوق در کوفه و ضربات سنگین به نظام اسلامی وارد شد حضرت در نکوهش آنها می فرماید: «... لَيْسَ لَعَمْرُ اللَّهِ سَعْرُ نَارِ الْحَرْبِ أَنْتُمْ، تُكَادُونَ وَ لَا تَكِيدُونَ، وَ تَنْتَقِصُ أَطْرَافَكُمْ فَلَا تَمْتَعِضُونَ، لَا يُنَامُ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ فِي عَقْلِهِ سَاهُونَ! غَلَبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَذِلُونَ، وَ أَيْمَالَهُ إِيَّيْ لَأُظْنَ بِكُمْ أَنْ لَوْ حَمِسَ الْوَعَى، وَ اسْتَحْرَأَ الْمَوْتَ قَدْ أَنْفَرَجْتُمْ عَنْ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْفِرَاجِ الرَّأْسِ...-ترجمه: به خداوند سوگند، شما بد وسیله ای برای افروختن جنگ هستید. شما را می فریبد و شما فریب دادن نتوانید. سرزمین یثان را بیایی می گیرد و پروا ندارد. چشم دشمن همواره در شما می نگرد و شما به خواب غفلت رفته اید. به خدا سوگند، آنانکه یکدیگر را یاری نکردند مغلوب شدند. به خدا سوگند اگر آتش جنگ در گیرد از اطراف پسر ابو طالب همانند جدا شدن سر از تن جدا و پراکنده شوید...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۳۴: فراز ۴-۵)

ه) **سوء تدبیر:** این شاخص با ویژگی وابسته بودن و رویکرد دفاعی و تدریجی؛ نظام را متزلزل؛ و بعضاً سرنگونی می‌کند. نظر به نقش این شاخص در شکل‌گیری حکمیت، حضرت مسلمانان را چنین هشدار می‌دهند: «... وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِيَّ عَلَى الْفُرُوجِ وَالِدِمَاءِ وَالْمَغَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَهُ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ، فَتَكُونُ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ، وَلَا الْجَاهِلُ فَيُضِلُّهُمْ بِجَهْلِهِ، وَلَا الْجَانِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ، وَلَا الْخَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمِهِ، وَلَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقُوقِ، وَيَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَلَا الْأَمْعَطَلُ لِلسُّنَّةِ فَيُهْلِكُ الْأُمَّةَ - ترجمه: شما دانسته‌اید، که سزاوار نیست کسی که بر ناموس‌ها، جان‌ها، غنیمت‌ها و احکام مسلمانان ولایت دارد و پیشوایی مسلمانان بر عهده اوست، مردی بخیل و تنگ چشم باشد، تا در خوردن اموالشان حریص شود و نیز، والی نباید نادان باشد تا مردم را با نادانی خود گمراه سازد و نباید که ستمکار باشد تا وظیفه روزی آنان را ببرد و نباید از گردش ایام بترسد تا گروهی را همواره بر گروه دیگر برتری دهد، و نه کسی، که در داوری رشوه می‌ستاند، تا رشوه‌گیرنده حقوق مردم را از میان برده و در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید. و نه کسی، که سنت را فرو می‌گذارد تا امت را به هلاکت اندازد.» (همان، خطبه ۱۳۱: ۵-۷)

و) **فريب‌کاری:** این شاخص با ویژگی نسبی بودن و رویکرد سستی و جدید داشتن؛ خطری جدی برای نظام سیاسی است. حضرت در سال ۳۶ هجری پس از فتح بصره و کشته شدن طلحه و زبیر شاخص فوق را چنین تبیین می‌فرمایند: «...أَتَوْسَمَّكُمْ بِحِلْيَةِ الْمُعْتَرِبِينَ حَتَّى سَتَرْتَنِي عَنْكُمْ جِلبَابُ الدِّينِ وَ بَصْرَتِكُمْ صِدْقُ النَّبِيِّ - ترجمه: من همواره در انتظار غدر و مکر شما می‌بودم و در چهره شما نشانه‌های فريب خوردگان را می‌دیدم. شما در پس پرده دین جای کرده بودید و پرده دین بود که شما را از من مستور می‌داشت؛ ولی صدق نیت من پرده از چهره شما برافکند و قیافه واقعی شما را به من بنمود...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵: خطبه ۴، فراز ۳)

ز) **نفاق در بیعت:** این شاخص با ویژگی انفعالی، و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن؛ در حذف و کاهش همراهی مردم با نظام نقش اساسی دارد. نظر به وقوع این صفت در بعضی خواص (طلحه و زبیر) و تأثیر که بر شیوه عملکرد عوام داشت، حضرت می‌فرمایند: «يَزْعُمُ أَنَّهُ قَدْ بَاعَ يَدَيْهِ وَلَمْ يُبَايِعْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَقْرَبَ بِالْبَيْعَةِ وَ ادَّعَى الْوَلِيَّةَ فَلَيَأْتِ عَلَيْهَا بِأَمْرٍ يُعْرِفُ وَ إِلَّا فَلْيَدْخُلْ فِيمَا خَرَجَ مِنْهُ - ترجمه: می‌گوید که با دستش بیعت کرده و با دلش بیعت نکرده. دست بیعت فرمایش آورد و مدعی شد که در دل چیز دیگری نهان داشته. اگر در ادعای خود بر حق است، باید دلیل بیاورد و گرنه، به جمع یاران من که از آنان دوری گزیده‌است بازگردد.» (همان، خطبه ۸)

ح) شعارزدگی: این شاخص با ویژگی ارزش محوری و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن؛ در تزلزل امنیت نظام نقش اساسی ایفا می‌کند. نظر به چنین نقشی حضرت می‌فرماید: «وَقَدْ أُرْعَدُوا وَ أُبْرَقُوا، وَ مَعَ هَذَيْنِ الْأُمْرَيْنِ الْفَشْلُ»-ترجمه: همانند تندر خروشیدند و چون آذرخش شعله افکندند. با این همه، ترسیدند و در کار بماندند، «همان: خطبه ۹» حضرت در جای دیگر این شاخص و آثار تخریبی آن را چنین ترسیم می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُهُمْ يُوهِي الصُّمَّ الصَّلَابَ وَ فِعْلُهُمْ يُطْمِعُ فَيْكُمُ الْأَعْدَاءُ! تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتَ وَ كَيْتَ...»-ترجمه: ای مردمی که به تن‌ها مجتمعید و به آراء پراکنده. سخن‌تان هنگامی که لاف دلیری می‌زنید-صخره‌های سخت را نرم می‌کند، در حالی که، کردارتان دشمنان‌تان را در شما به طمع می‌اندازد...» (همان: خطبه ۲۹ فراز اول)

ط) بیعت شکنی: این شاخص با ویژگی عملی بودن و رویکرد سستی و جدید داشتن؛ در ابعاد مختلف برای نظام ایجاد بحران می‌نماید و در صورت تداوم زمینه شکست نظام سیاسی را فراهم می‌کند حضرت پیرامون شاخص فوق و نقش تخریبی آن می‌فرماید: «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتَّبَعْتُمُ الْبَيْمَةَ، رَغَا فَاجَبْتُمْ، وَ عَقِرَ فَهَرَبْتُمْ، أَخْلَافُكُمْ دِقَاقٌ، وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ، وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ، وَ مَاؤُكُمْ رِزْقٌ»-ترجمه: شما سپاهیان آن زن بودید و پیروان آن ستور که چون بانگ کرد اجابتش کردید و چون کشته شد روی به گریز نهادید. خلق و خویتان همه فرومایگی است. پیمان‌های‌تان گسستنی است و دین‌تان دورویی است و آب‌تان شور است...» (همان: خطبه ۱۳) این شاخص در جمع رزمندگان در سال ۳۶ هجری هنگام حرکت سپاه اسلام به سوی بصره برای مقابله با پیمان شکنان، چنین تبیین شده: «إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَّوْا عَلَيَّ سَخَطَةَ إِمَارَتِي وَ سَأَصْبِرُ مَا لَمْ أُخَفْ عَلَيَّ جَمَاعَتِكُمْ، فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَيَّ فَيَالَهُ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاهَا اللَّهُ عَلَيْهِ، فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَيَّ أَدْبَارَهَا»-ترجمه: همانا ناکثین عهد شکن دست اتحاد به هم داده‌اند و به خلاف من برخاسته‌اند، زیرا از حکومت من ناخشنودند و من صبر می‌کنم تا آنگاه که بترسم که صبر من اختلاف و افتراق شما را در پی داشته باشد. اگر این اندیشه را که در سر دارند، به پایان برند، نظام کار مسلمانان از هم گسیخته گردد. اینان طالبان دنیا هستند، زیرا بر کسی که خداوند حکومت را بر عهده او نهاده است رشک می‌برند و می‌خواهند کارها را بر مسیر جاهلیت گذشته اندازند.» (دستی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۶۹: فراز ۴) نظر به نقش مخرب این شاخص حضرت پس از شکل‌گیری فاجعه بزرگ حکمیت در جواب اشعث ابن قیس در حالی که از شدت تأسف دست روی دست کوبیدند چنین فرمودند: «هَذَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حِينَ أَمَرْتُكُمْ بِمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ حَمَلْتُكُمْ عَلَيَّ الْمَكْرُوهَ»-ترجمه: این است جزای کسی، که آنچه را که بر آن پیمان بسته به کار نیندد. به خدا سوگند،

هنگامی که شما را فرمان دادم به آنچه فرمان دادم، شما را به کاری ناخوش آیند... همان، خطبه ۱۲۱: فراز (۴-۱)

ی) نافرمانی: این شاخص با ظرفیت بالا و رویکرد عملی داشتن؛ از مهمترین تهدیدات است؛ نظر به نقش این شاخص در شکل‌گیری حکمیت، حضرت مسلمانان چنین هشدار می‌دهند: «... أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرَبِ تُوْرَثُ الْحَسْرَةَ وَتُعْقِبُ النَّدَامَةَ، وَقَدْ كُنْتُ أَمْرْتَكُمْ فِي هَذِهِ الْحُكُومَةِ مَرِي، وَنَحَلْتُ لَكُمْ مَخْرُوزَ رَأْيِي، لَوْ كَانَ يُطَاعُ لِقَصِيرِ أَمْرٍ، فَأَيُّكُمْ عَلَى إِبَاءِ الْمُخَالِفِينَ الْجُفَاءَ، وَالْمُنَابِذِينَ أَلْعَصَاءَ، حَتَّى ارْتَابَ النَّاصِحُ بِنُصْحِهِ، وَضَنَّ الزُّنْدُ بِقَدْحِهِ-ترجمه: اما بعد. بدانید که نافرمانی نیکخواه مهربان و دانای تجرب آموخته، موجب حسرت است و پشیمانی در پی دارد. من در این حکمیت، رأی و نظر خود را با شما در میان نهادم و خلاصه آنچه را که در خزانه رأی داشتم، برایتان آشکار کردم (ای کاش از رأی قصیر پیروی می‌کردند) ولی شما به خلاف من برخاستید، چونان مخالفان جفاپیشه و پیمان شکنان نافرمان. تا آنجا که اندرز دهنده نیکخواه در کار خود به تردید افتاد و آتش زنه در افروختن آتش بخل ورزید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، جلد دوم: ۳۵۶) سپاه معاویه با بهره‌گیری از این ضعف سپاه اسلام به قسمتی از بلاد مسلمین در شهر عین‌التمر^۱ حمله کرد و تلفات سنگینی به نظام سلامی وارد نمود؛ حضرت در نکوهش از این بداخلاقی در سال ۳۹ مسئولین و مردم را چنین سرزنش می‌نمایند: «مُنَيْتُ بَمَنْ لَا يُطِيعُ إِذَا أَمْرَتْ وَ لَا يُجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ، لَا أَبَا لَكُمْ مَا تَتَطَرَّوْنَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ؟ أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ، وَ لَا حَمِيَّةَ تُحْمِسُكُمْ؟-ترجمه: به مردمی گرفتار آمده‌ام، که چون فرمان می‌دهم اطاعت نمی‌کنند و چون فرا می‌خوانم پاسخ نمی‌گویند-ای بی‌ریشه‌ها-چرا در یاری پروردگارتان درنگ می‌کنید آیا دینی نیست که شما را با یکدیگر متحد سازد آیا غیرت و حمیتی نیست که شما را به خشم آورد» (همان، خطبه ۳۹: فراز ۱) نظر به اختلال در امنیت نظام اسلامی از ناحیه این شاخص در، حضرت مردم کوفه چنین نکوهش می‌کنند: «أَشْهُودُ كَعْيَابَ؟ وَ عَيْدُ كَاءَ رَبَّاب؟ أَتَلُوْا عَلَيْكُمْ الْحِكْمَ فَتَنْفَرُونَ مِنْهَا، وَ أَعْظَمُكُمْ بِالْمَوْعِظَةِ الْبَالِغَةِ فَتَتَفَرَّقُونَ عَنْهَا، وَ أَحْكُمُكُمْ عَلَى جِهَادِ أَهْلِ الْبَغْيِ فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أُرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ آيَادِي سَبَاءَ. تَرْجِعُونَ إِلَى مَجَالِسِكُمْ، وَ تَتَخَادَعُونَ عَنْ مَوْعِظَتِكُمْ، أَفَوَيْكُمْ عُذُوَّةٌ، وَ تَرْجِعُونَ إِلَى عَشِيَّةٍ كَظْهَرِ الْحَيَّةِ-ترجمه: حاضرانی هستید به مثابه غایبان و بندگانگی هستید چون خداوندان. سخنان حکمت‌آمیز بر شما خواندم از آن رمیدید. به اندرزه‌های نیکو پندتان دادم هر یک از سویی پراکنده شدید. شما را به جهاد با تبهکاران فرا می‌خوانم،

۱. مالک بن کعب فرماندار امام در آن منطقه بود که حدود ۱۰۰ نفر نیرو بیشتر در اختیار نداشت. در این نبرد نعمان بن بشیر با بیش از ۲۰۰۰ نیرو به این منطقه تهاجم نمود حضرت دستور بسیج جهت مقابله صادر نمودند اما مردم از فرمان

هنوز سختم به پایان نرسیده، می بینم هرکس که به سویی رفته است، آنسان که قوم (سبا) پراکنده شدند. به جایگاه‌های خود باز می گردید و یکدیگر را به اندرزه‌های خود می فریبید. هر بامداد شما را همانند چوب کجی راست می کنم و شب هنگام خمیده چون پشت کمان نزد من باز می گردید. راست کننده به ستوه آمده و، کار بر آنچه راست می کند دشوار گردیده» (همان، خطبه ۹۷: فراز ۴)

ک) بی بصیرتی: این شاخص با ویژگی ارزش محوری، و با رویکرد متقارن و نامتقارن داشتن؛ همواره آسیب‌های جبران ناپذیری به نظام اسلامی تحمیل نموده؛ حضرت نقش این شاخص را هنگام قرآن بر نیزه کردن شامیان، و متزلزل شدن سپاه اسلام را، چنین هشدار می دهند: «أَلَمْ تَقُولُوا عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ حِيلَةٌ وَ غِيْلَةٌ وَ مَكْرًا وَ خَدِيْعَةً: إِخْوَانُنَا وَ أَهْلُ دَعْوَتِنَا اسْتَقَالُونَا، وَ اسْتَرَاخُوا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَالرَّأْيُ الْقَبُولُ مِنْهُمْ، وَ التَّنْفِيسُ عَنْهُمْ، فَقُلْتُ لَكُمْ: هَذَا أَمْرٌ ظَاهِرُهُ إِيمَانٌ وَ بَاطِنُهُ عُذُوَانٌ، وَ أَوْلَاهُ رَحْمَةٌ، وَ آخِرُهُ نَدَامَةٌ، - ترجمه: آیا آنگاه که از روی حيله گری و فریب و مکر و نیرنگ قرآن‌ها را برافراشتند، شما نگفتید، که اینان برادران و همکیشان ما هستند که به کتاب خدا پناه برده‌اند و از ما می‌خواهند که خطاهای گذشته آنها را ببخشاییم و مصلحت آن است که از آنان بپذیریم و اندوه از دلشان بزداایم من به شما گفتم، که این کاری است که بیرونش ایمان است و درونش تجاوز و ستم. آغازش رحمت و مهربانی است و پایانش پشیمانی.» (همان، خطبه ۱۲۲: فراز ۵-۹)

ل) هرج مرج: این شاخص با ویژگی انفعالی بودن و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن؛ به شدت ثبات را تهدید و امنیت را متزلزل می کند. حضرت در صحرائی صفین آثار سوء این شاخص بر امنیت نظام را چنین هشدار می دهند: «... وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَ الْيَهَاءُ، أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِي بِرِعْيَتِهِ، اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْأَكْلِمَةُ، وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ، وَ كَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ، وَ تَرَكْتَ مَحَاجَّ السُّنَنِ، فَعَمِلَ بِالْهَوَى، وَ غَطَّلْتَ الْأَحْكَامَ، وَ كَثُرَتْ عِلَلُ النَّفُوسِ، فَلَا يُسْتَوْحَشُ لِعَظِيمٍ حَقُّ عَطْلٍ، وَ لَا لِعَظِيمٍ بَاطِلٍ فِعْلٍ، فَهُنَالِكَ تَنْزِيلُ الْأُبْرَارِ، وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارِ، وَ تَعْظُمُ تَبَاعُثُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ - ترجمه: ... و اگر رعیت بر والی خود چیره گردد یا والی بر رعیت ستم روا دارد، در این هنگام، میان آنها اختلاف کلمه پدید آید و نشانه‌های جور پدیدار آید و تباہکاری در دین بسیار شود و عمل به سنت‌ها متروک ماند و به هوا و هوس کار کنند و احکام اجرا نگردد و دردها و بیماری‌های مردم افزون شود و کس از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بیمی به دل راه ندهد. در این هنگام نیکان به خواری افتند و بدان عزت یابند و بازخواست‌های خداوند از بندگان بسیار گردد...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۲۱۶: فراز ۱۱-۹)

۲-۴. از منظر نهج البلاغه برای تهدیدات نظامی چه شاخص‌های مترتب است؟ این امنیت ناظر است بر قابلیت و توانائی نیروهای مسلح و سازه دفاعی کشور برای حفاظت ملت، دولت و ارزش‌های اساسی و

حیاتی آن در برابر تهدید و تهاجم نظامی خارجی است. با توجه به اینکه در تاریخ بشر تجارت زیادی در زمینه تهدید امنیت از طریق تهاجم نظامی وجود دارد و متقابلاً از طریق نیروی نظامی امر دفاع یا امنیت فراهم شده‌است بنابراین بعد نظامی امنیت در گذشته بر جسته‌تر بوده‌است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۹). این بُعد امنیت به نحوه تعامل قابلیت‌های تهاجمی و تدافعی دولت‌ها و نحوه برداشت آنها از نیات یکدیگر می‌پردازد؛ به همین سان تهدیدات نظامی موجودیت و بقای یک جمع (گروه، جامعه یا دولت) را هدف قرار می‌دهد. تهدید نظامی ملموس‌ترین و عینی‌ترین شکل تهدید است. براساس مؤلفه‌های قدرت نظامی و جایگاه نیروهای مسلح در نهج‌البلاغه برای تهدیدات نظامی شاخص‌های متصور است که اهم آنها شرح زیر تبیین و تشریح می‌شود

الف) کاهش منابع مالی: این شاخص با ویژگی وابسته بودن و رویکرد ابزاری و واقعی داشتن؛ نقش اساسی در تزلزل امنیت دارد شاخص فوق خطاب به مالک اشتر چنین ابلاغ شده: «تَمَّ لَا قِوَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَقْوُونَ بِهِ عَلَىٰ فِي جِهَادِ عَدُوِّهِمْ وَ يَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُصْلِحُهُمْ وَ يَكُونُ مِنْ وَّرَائِهِ حَاجَتِهِمْ»-ترجمه: و پایداری سپاهیان جزء به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود. که با آن برای جهاد با دشمن تقویت شوند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندیهای خود را بر طرف سازند...» (دشتی، ۱۳۸۳ نامه ۵۳: فراز ۴۵)

ب) ضعف نیروهای مسلح: این شاخص با ویژگی پنهانی؛ و رویکرد داخلی و خارجی داشتن؛ امنیت نظام را مختل می‌کند. حضرت این مهم را چنین هشدار می‌دهند: «...أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْآخَرَى الْمُعَاهِدَةَ فَيَتَنَزَّعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَالَئِدَهَاو رُغْنَهَا فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمَاتٍ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَا مَا كَانَ بِهِمْ لَوْ مَا بَلَّ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا فَيَا عَجَبًا وَعَجَبًا وَاللَّهِ-ترجمه: شنیده‌ام که یکی از آنها بر زن مسلمانی داخل شده و دیگری بر زنی از اهل ذمه و خلخال، دستبند، گردنبد و گوشواره‌اش را ربوده‌اند... اگر مرد مسلمانی پس از این رسوایی از اندوه بمیرد، نه تنها نباید ملامتش کرد بلکه مرگ را سزاوارتر است...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۲۷: فراز ۷)

ج) ضعف فرماندهی: این شاخص با ویژگی سلبی بودن و رویکرد بسیط و چند وجهی داشتن؛ در حوزه‌های مختلف نظام سیاسی اختلال ایجاد می‌کند. نظر به چنین نقشی، حضرت کمیل را به عنوان فرماندهی ناکارآمد چنین سرزنش می‌کنند: «... فَقَدْ صَبْرَتْ جِسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْعَارَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ غَيْرَ شَدِيدِ الْمُنْكَبِ، وَلَا مَهِيبِ الْجَانِبِ، وَلَا سَادَ تُعْرَةَ، وَلَا كَاسِرِ لِعَدُوِّ شَوْكَةً، وَلَا مَعْنٍ عَنِ أَهْلِ مِصْرِهِ، وَلَا مَجْزٍ عَنِ أَمِيرِهِ، وَالسَّلَامُ-ترجمه: ... تو به مثابه پلی شده‌ای که هرکس از دشمنان بخواهد بر دوستانت تاخت آورد، از آن پل می‌گذرد. چگونه است که تو را توان هیچ کاری نیست و کس را از مهابت تو بیمی

به دل نیست. مرزی را نتوانی بست و بر شوکت دشمن شکست نتوانی آورد. نه نیاز مردم شهر را بر می آوری و نه فرمانده خود را خشنود توانی ساخت. والسلام» (دشتی، ۱۳۸۲، نامه ۶۱: فراز ۳)

و) فقدان حمیت ملی و هویت دینی: این شاخص با ویژگی عملی بودن و رویکرد متقارن و نامتقارن داشتن نقش حیاتی در کاهش توان رزم نیروهای مسلح دارد. نظر به چنین نقش مخربی در سال ۳۸؛ حضرت چنین هشدار می دهند: «يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ تُغَزُونَ وَ لَا تُغَزُونَ وَ يُعَصَى اللَّهُ وَ تَرْضَوْنَ - ترجمه: وقتی می نگریم که شما را آماج تاخت و تاز خود قرار می دهند و از جای نمی جنبید، بر شما می تازند و شما برای پیکار دست فرا نمی کنید، می گویم، که ای قباح و ذلت نصیبان باد! خدا را معصیت می کند و شما بدان خشنودید» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۲۷: فراز ۹)

ح) سستی در جهاد: این شاخص با ویژگی انفعالی، و رویکرد دفعی و تدریجی داشتن؛ توان دفاعی نیروهای مسلح را به شدت تضعیف می کند. نظر به نقش این شاخص در سقوط شهر انبار؛ حضرت علی (ع) در سال ۳۸ در خطبه ای پیامدهای این شاخص را چنین تبیین می نمایند: «... أَلَا وَ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ سِرًّا وَ إِعْلَانًا، وَ قُلْتُ لَكُمْ أَغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي غَفْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَاذَلْتُمْ حَتَّى شُنْتُمْ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ وَ مَلِكْتُ عَلَيْكُمْ - ترجمه: شب و روز، در نهان و آشکارا، شما را به نبرد با این قوم فرا خواندم و گفتم که پیش از آنکه سپاه بر سرتان کشند، بر آنها بتازید. به خدا سوگند، به هیچ قومی در خانه هایشان تاخت نیاوردند. مگر آنکه زبون خصم گشتند. شما نیز آن قدر از کارزار سر بر تافتید و کار را به گردن یکدیگر انداختید و یکدیگر را نصرت ندادید، تا هر چه داشتید به باد یغما رفت و سرزمینتان جولانگاه دشمنانتان گردید...» (شیروانی، ۱۳۹۱: خطبه ۲۷) این مهم در جمع مردم کوفه چنین تبیین شده: «... أَقَوْمٌ فِيكُمْ مُسْتَصْرِخًا، وَ أَنْادِيكُمْ مُنْعَوًّا، فَلَا تَسْمَعُونَ لِي قَوْلًا، وَ لَا تُطِيعُونَ لِي أَمْرًا، حَتَّى تَكْشِفَ الْأُمُورُ عَنْ عَوَاقِبِ الْمَسَاءِ، فَمَا يُدْرِكُ بِكُمْ نَارٌ، وَ لَا يَبْلُغُ بِكُمْ مَرَامٌ - ترجمه: در میان شما ایستاده، بانگ برداشته، یاری می طلبم، ندایتان می دهم، مگر به فریاد رسید. دریغ، که هیچ سخنی از من نمی شنوید و هیچ فرمانی را به کار نمی بندید. سرانجام، پایان ناگوار کارها پدیدار خواهد شد. نپندارم که به پایمردی شما از کس انتقامی توان گرفت یا به مقصودی توان رسید» (همان: خطبه ۳۹: فراز ۳)

ط) ترس از مرگ: این شاخص با ویژگی هراس انگیزی و رویکرد متقارن و نامتقارن داشتن؛ کارایی سپاه اسلام را به شدت کاهش می دهد شاخص فوق در خطبه ۲۷ چنین تبیین شده: «... يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ تُغَزُونَ وَ لَا تُغَزُونَ ... إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ. هَذِهِ حَمَارَةُ الْقَيْظِ أَمْهَلْنَا يَسِيحُ عَنَّا الْحَرُّ وَ إِذَا

أَمَرْتُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ، هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقَرَّ أَمْهَلْنَا يَنْسَلِخَ عَنَّا الْبَرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرِّ وَالْقَرَّ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقَرَّ تَفِرُونَ فَانْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَقْرَبُ-ترجمه: وقتی می‌نگرم که شما را آماج تاخت و تاز خود قرار می‌دهند و از جای نمی‌جنبید، بر شما می‌تازند و شما برای پیکار دست فرا نمی‌کنید، ... چون در گرمای تابستان به کارزارتان فراخوانم، می‌گویید هوا سخت گرم است، مهلت‌مان ده تا گرما فروکش کند، چون در سرمای زمستان به کارزارتان فراخوانم، می‌گویید هوا خیلی سرد است مهلت‌مان ده تا سرما بشکند. این همه که از سرما و گرما می‌گریزد به خدا قسم از شمشیر گریزان‌ترید...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۲۷: فراز ۱۰-۱۱)

ی) عدم‌انگیزه: این شاخص با ویژگی نسبی بودن و رویکرد متمرکز و پراکنده داشتن، به شدت توان رزم نیروهای مسلح را کاهش داده و امنیت نظام را متزلزل نماید. نظر به نقش شاخص فوق در شکست سپاه اسلام از حمله ضحاک ابن قیس و غارت کاروان حجاج؛ حضرت در سال ۳۸ هجری می‌فرمایند: «... وَاللَّهِ مَنْ غَرَّتْهُمُوهُ وَمَنْ فَازَ بِكُمْ فَازَ بِالسَّهْمِ الْأَخِيْبِ وَمَنْ رَمَى بِكُمْ فَقَدْ رَمَى بِأَفْوَقِ نَاصِلِ أَصْبَحْتُمْ وَاللَّهِ لَا أَصْدَقُ قَوْلِكُمْ وَلَا أَطْمَعُ فِي نَصْرِكُمْ وَلَا أُوْعِدُ الْعَدُوَّ بِكُمْ مَا بِالْكُمْ؟ مَا دَوَأُوْكُمْ؟ مَا طَبَبْتُكُمْ؟ الْقَوْمُ رِجَالٌ أَمْثَالُكُمْ أَقْوَلًا بَعِيْرٍ عِلْمٍ! وَغَفْلَةً مِنْ غَيْرِ وَرِعٍ! وَطَمَعًا فِي غَيْرِ حَقٍّ؟!»: ترجمه: به خدا سوگند، فریب خورده کسی است که شما او را به وعده دروغ بفریبید. هر که پندارد که به نیروی شما پیروز می‌شود، همانند کسی است که آن تیر از تیرهای قمار نصیب او شود که سودش از همه کمتر است و هر که شما را چون تیر به سوی دشمن افکند، تیر شکسته بی‌پیکان را در کمان رانده. به خدا سوگند، به جایی رسیده‌ام که دیگر سخن شما باور نمی‌کنم و به یاری شما امید نمی‌بندم و دشمن را به شما بیم نمی‌دهم شما را چه می‌شود داری درد شما کدام است؟ علاج شما چگونه است. دشمنان شما نیز مردمی همانند شمایند. آیا هرچه گفتید، همه از روی نادانی بود؟ یا از سر غفلت و ناپرهیزگاری؟ یا در چیزی که حق شما نبود طمع ورزیده بودید؟» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۲۹: فراز ۴-۶)

ک) غفلت‌زدگی: این شاخص با ویژگی وابسته بودن و رویکرد دفاعی و تدریجی داشتن قادر است ساختار و سازمان نیروهای مسلح را نا کارآمد کند؛ این عامل سم مهلک در سیستم دفاعی تلقی می‌شود. نقش مخرب این شاخص در سال ۳۸ هجری، چنین تبیین شده: «...لَبِئْسَ لَعْنَةُ اللَّهِ سَعْرُ نَارِ الْحَرْبِ أَنْتُمْ، تُكَادُونَ وَلَا تَكِيدُونَ، وَتَنْقِصُ أَطْرَافَكُمْ فَلَا تَمْنَعُضُونَ، لَا يَمْنَامُ عَنْكُمْ، وَأَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ سَاهُونَ! غَلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَحَادِلُونَ، وَإِيمُ اللَّهِ إِنِّي لَأَطْنُّ بِكُمْ أَنْ لَوْ حَمِسَ الْوَعَى، وَاسْتَحَرَّ الْمَوْتُ قَدْ أَنْفَرَجْتُمْ عَنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْفِرَاجِ الرَّأْسِ-ترجمه: به بقای خداوند سوگند، که افروختن آتش جنگ را، چه نامناسب مردمی هستید. شما را می‌فریبند و شما فریب دادن نتوانید. دشمن، زمینهایتان را یک یک می‌گیرد و به خشم نمی‌آید.

چشم دشمن همواره در شما می‌نگرد و شما به خواب غفلت و بی‌خبری رفته‌اید. به خدا سوگند، آنان که یکدیگر را وا گذاشتند و یاری نکردند مغلوب شدند. بنابراین که چون جنگ درگیر شود و کشتار به غایت رسد، چنان از گرد پسر ابوطالب پراکنده شوید که دیگر بازگشتی برایتان نباشد، بدانگونه که سر بریده دیگر به بدن نچسبد» (همان، خطبه ۳۴: فراز ۴-۶)

ل) فراز از جنگ: این شاخص با ظرفیت بالا و رویکرد عمدی و غیر عمدی از شاخص‌های است که دشمنان با بهره‌گیری از آن امنیت نظام را هدف قرار می‌دهند. نظر به نقش مخرب این شاخص در تزلزل امنیت؛ حضرت در سال ۳۹ هجری می‌فرمایند: «... مَسِيرٌ مِنْ مَنَاسِرِ أَهْلِ الشَّامِ أَعْلَقَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بَابَهُ وَ أَنْجَحَرَ أَنْجَحَارَ الضَّبِّ فِي جُحْرِهَا وَ الضَّبُّ فِي وَجَارِهَا اللَّذِيْلُ وَ اللَّهُ مَنْ نَصَرَ تَمُوهُ... ترجمه: هر بار که طلایه لشکر شام از دور پدیدار گردد، هر یک از شما به خانه خود می‌گریزید و در را به روی خود می‌بندید. همانند سوسماری، که از بیم، در سوراخ خود پنهان می‌شود، شما نیز به سوراخ خود می‌خزید. یا مانند کفتار به لانه پنهان می‌شوید. به خدا سوگند، خوار و ذلیل کسی است که شما یاریش کرده‌باشید...» (همان، خطبه ۶۹: فراز ۱) در هنگام نبرد صفین خطاب به فراریان از صحنه؛ این مهم را چنین هشدار می‌دهند: «وَ كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَيْكُمْ تَكْشُونَ كَشِيشَ الضَّبِّ، لَا تَأْخُذُونَ حَقًّا، وَ لَا تَمْنَعُونَ ضَيْمًا، قَدْ خَلَيْتُمْ وَ الطَّرِيقَ، فَالْجَاهُ لِلْمُقْتَحِمِ، وَ الْهَلَكَةُ لِلْمُتَأَوِّمِ - ترجمه: گویی می‌بینم‌تان که از جنگ می‌گریزید و هیاهو می‌کنید. همانند سوسماران که در کنار هم می‌روند و از برخورد پوست‌های شان به یکدیگر آوازی چنین بر می‌خیزد. نه در صدد گرفتن حقی هستند و نه در خیال دفع ستمی. راهتان باز است. رهایی، از آن کسی است که خود را در کارهای دشوار افکند و هلاکت نصیب کسی، که در کار درنگ نماید.» (همان، خطبه ۱۲۳: فراز ۴)

سؤال سوم: نهج البلاغه چه راهبردهای را در قبال تهدیدات فوق ارائه نموده‌است؟ با توجه به مباحث مطرح شده پیرامون امنیت و تهدیدات متصور بر امنیت نظام اسلامی با مطالعات اکتشافی در مصحف شریف نهج البلاغه راهبردهای زیر در خصوص مقابله با تهدیدات متصور احصاء گردید:

۳-۱) **راهبرد نظامی:** نظر به ظرفیت بالا شاخص‌های متصور برای تهدید نظامی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی سه راهبرد برای مقابله با تهدیدات این حوزه ارائه می‌شود

۱-۳) بهره‌گیری کامل از ظرفیت نیروهای مسلح بر اساس رهنمود حضرت به مالک اشتر که می‌فرمایند: **الف) امنیت داخلی:** حُصُونُ الرَّعِيَّةِ - دژهای استوار رعیت‌اند. **ب) امنیت سیاسی:** وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ - زینت والیان. **ج) امنیت اعتقادی:** وَ عِزُّ الدِّينِ - دین خدا به آنها عزت یابد. **د) امنیت اقتصادی:** وَ سُبُلُ الْأَمْنِ -

راهها به آنها امن گردد (ه) امنیت اجتماعی: «وَلَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ» و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد...» (خان احمدی، ۱۳۹۲: ۲۳۴)

۳-۱-۲) حفظ و ارتقاء آمادگی دفاعی، براساس توصیه قرآن کریم که می‌فرماید: «... وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» ترجمه: و آماده کنید برای مشرکان هر چه توانید از نیرو و اسبان بر آخور بسته شد تا بترسانید بدان آمادگی دشمن خدا را و دشمن خود را (که کفار مکه‌اند) و نیز دشمنان دیگر را غیر از کفار مکه که نمی‌شناسید ایشان را (به نفاق) خدا می‌شناسدشان...» (قرآن کریم، انفال: ۶۰) ارتقاء آمادگی دفاعی بر اساس توصیه حضرت علی (ع) به مردم و کارگزاران کوفه که می‌فرماید: «... فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَأَعِدُّوا لَهَا غَدَتَهَا فَقَدْ شَبَّ لَطَائِمًا وَعَلَا سَنَاهَا وَاسْتَشْعَرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ ادَّعَى إِلَى النَّصْرِ» ترجمه: برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش جنگ افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است...» (خان احمدی، و همکار، ۱۳۹۱: ۱۷۱)

۳-۱-۲) راهبرد سیاسی: نظر به شاخص‌های احصاء شده برای تهدید سیاسی که در مباحث قبل به آن اشاره گردید برای مقابله با تهدیدات متصور راهبردهای زیر ارائه می‌شود:

۳-۱-۲-۱) راهبرد بصیرت افزایی: این راهبرد را حضرت در خطبه‌ای در شهر مدینه چنین تبیین می‌فرماید: «...وَقَدْ فَتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقَيْلَةِ، وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ جَنَاحٌ مِثْلُ شِمَا وَاهِلٍ قَبْلَهُ أَغَاظٌ شَدِيدَةٌ وَاهِلٍ بِرُجْمٍ رَا حَمَلٌ نَتَوَانِدُ كَرْدٌ، مَكْرٌ كَسِيٌّ كِهْ بَصِيرٍ وَشَكِيْبَا بَاشِدٌ وَجَايِ حَقِّ رَا بَشَنَاسِدُ...» (شیروانی، خطبه ۱۷۳: فراز ۴-۵) در خطبه ۱۵۰ راهبرد فوق چنین تبیین شده: «حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَيَّ أَسْيَافِهِمْ - بَصِيرَتِ هَايِي (بينش‌های) خود را بر شمشیرها بنشانید» (همان، خطبه ۱۵۰) علامه مجلسی این راهبرد را به نقل از حضرت چنین بیان می‌فرماید: «... إِنْ أَلْقَيْتَ لَيْسَ بِأَكْثَرِهِ وَبِأَبْصَرِهِ» ترجمه: نبرد با فزونی نیست بلکه با بصیرت و بینش کامل است...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق: ۲۵۵) این راهبرد را حضرت در جای دیگر چنین تبیین می‌فرماید: «... مَا دَرِ عَصْرِ بِيَامِرٍ بَا بَسِيَارِي سِيَاهِيَانِ نَمِي جَنَكِيدِيْمِ بَلَكِه تَنَهَا بَايِنِشِ وَبَصِيرَتِ بِه نَبْرِد بَا دَشْمَنَانِ بَر مِي خَاسْتِيْمِ ...» (امین، ۱۴۰۶: ۷۷) امام سجاد (ع) این راهبرد را در قالب دعا چنین تبیین می‌فرماید: «... خدایا رزمندگان ما را به آنچه بصیرت ندارند بصیرت عطا کن ...» (غروی، ۱۳۸۱، ترجمه صحیفه سجادیه ۲۷ فراز ۵) فرماندهی معظم کل قوا امام خامنه‌ای این راهبرد را چنین ترسیم می‌فرماید: «... اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد،

مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود؛ بصیرت این است...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۵)

۲-۱-۳) راهبرد همت بلند: حضرت این راهبرد را چنین تبیین می‌فرمایند: «... فَشَدُّوا عَقْدَ الْمَآزِرِ، وَأَطَوْوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ، لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَوَلِيمَةٌ، مَا نَقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ، وَأَمْحَى الظُّلْمَ لِتَذَاكِيرِ الْهِمَمِ- ترجمه: پس کمربندها را محکم کنید و دامن‌ها را بر کمر زنید. زیرا به میدان نبرد رفتن، کار دیگر است و به بزم سور رفتن، کاری دیگر. ای بسا خواب‌نوشین شب‌هنگام، تصمیم‌های روز را باطل سازد و چه بسا تاریکی‌ها تصمیم‌ها را از یادها بزدايد. (شیروانی، ۱۳۹۱: خطبه ۲۴۱)

۳-۱-۳) راهبرد اجتماعی: نظر به شاخص‌های احصاء شده برای تهدیدات اجتماعی فرهنگی و تأثیری این شاخص‌ها بر سایر ابعاد؛ برای مقابله با تهدیدات فوق راهبرد اسلام محوری ارائه می‌شود:

از منظر نهج البلاغه اسلام دارای چنان ظرفیتی است که اگر نظام اسلامی حرکات خود را حول محور آن قرار دهند قادر به دفع هر نوع تهدید می‌باشند نهج البلاغه ظرفیت‌های این راهبرد را چنین معرفی می‌نماید: الف): **مقابله با غفلت زدگی**: ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ - این اسلام دین خداست، که آن را برای خود برگزید و به نظر عنایت خویش در آن نگرست و پرورش داد. ب) **مقابله با تفرقه**: وَاصْطَفَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ، وَأَصْفَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ، وَأَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ - بهترین آفریدگان خود را برای تبلیغ آن اختیار کرد. و ستون‌های آن را بر بنیاد دوستی خود برپای داشت ج) **مقابله با انحراف**: أَدَلَّ الْأَذْيَانَ بَعْرَهُ وَوَضَعَ الْمِلَلَ بَرْفَعِهِ، وَبِهِ عِزٌّ وَغَلْبَةٌ، وَبِهِ دِينُ الْغَلْبَةِ وَبِهِ دِينُ الْغَلْبَةِ وَبِهِ دِينُ الْغَلْبَةِ - دیگر را فرو داشت. د) **مقابله با جهالت**: وَأَهَانَ أَغْدَاءَ بَكَرَامَتِهِ، وَخَذَلَ مُحَادِيهِ بِبَصَرِهِ، وَهَدَمَ أَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ - با گرامی داشت آن دشمنانش را پست نمود و با یاری کردن آن، معارضانش را فرو گذاشت. پایه‌هایش را محکم ساخت تا ارکان گمراهی فرو ریزد. ه) **مقابله با کوته نظری طلبی**: وَسَقَى مَنْ عَطِشَ مِنْ حِيَاضِهِ، وَاتَّقَى الْحِيَاضَ بِمَوَاتِجِهِ، ثُمَّ جَعَلَهُ لَا انْفِصَامَ لِعُرْوَتِهِ، وَلَا فَكَّ لِحَلْقَتِهِ، وَلَا انْهَادًا لِأَسَاسِهِ - تشنه کامان را از آبگیرهای آن سیراب نمود و آبگیرها را برای برداردندگان آب پر ساخت. سپس، آن را به گونه‌ای استواری بخشید که دستگیره‌اش را گسستن نباشد و حلقه‌هایش را گشودن نبود و شالوده‌اش منهدم نگردد ز) **مقابله با بدعت**: وَلَا زَوَالَ لِدَعَائِمِهِ، وَلَا انْقِلَاعَ لِشَجَرَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِّهِ، وَلَا عَفَاءَ لِشَرَائِعِهِ، وَلَا جَذَّ لِفُرُوعِهِ - ستون‌هایش فرو نیفتند و درختش از ریشه برنیاید و زمانش به پایان نرسد و قوانینش کهنه و محو و شاخه‌هایش بریده نگردد. ح) **مقابله با شبهات**: وَلَا ضَنْكَ لِطُرُقِهِ، وَلَا وُعُوثَةَ لِسُهُوتِهِ، وَلَا سَوَادَ لِوَضْعِهِ، وَلَا جَوْجَ لِابْتِصَابِهِ، وَلَا عَصَلَ فِي عُودِهِ، وَلَا وَعَثَ لِجَبْجَبِهِ، وَلَا انْطِفَاءَ لِمَصَابِيحِهِ، وَلَا امْرَارَةَ لِخَلَاوَتِهِ - راه‌هایش تنگ و گذار دشتهای هموارش دشوار نشود و رنگ کلدورت نگیرد و استقامتش کجی نپذیرد و

چوب مستقیم آن خمیده نگردد. راه‌های گشاده‌اش به تنگنا بدل نشود و چراغ‌های فروزان‌ش خاموشی نگیرد و شیرینی‌ش به تلخی نگراید. **ط** (مقابله با فتنه: فَهُوَ دَعَائِمُ أَسَاحٍ فِي الْحَقِّ أَسْنَاخَهَا، وَتَبَّتْ لَهَا أَسَاسُهَا، وَيَنَابِيعُ غَزُرَتْ غَيُونُهَا، وَ مَصَابِيحُ شَبَّتْ نِيرَانُهَا، وَ مَنَارٌ اقْتَدَى بِهَا سُمْغَارُهَا-اسلام را ستون‌هایی است که خدا پایه‌هایشان را بر بنیان حقیقت استوار ساخته. چشمه‌هایی است با جوشش فراوان و چراغ‌هایی است با پرتوی تابان و نشانه‌هایی است که مسافران‌ش بدان راه جویندی) **مقابله با انحرافات و جهالت: وَ أَعْلَامٌ قُصِدَ بِهَا فِجَاجُهَا، وَ مَنَاهِلٌ رَوَى بِهَا وَرَاكِدُهَا-اعلام‌هایی است برای گمگشتگان در راه‌ها. و آب‌سختوری است که هر که بدان در آید، سیراب شود. ک** (مقابله با تبعیت از شیطان: جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ مَثَهِی رِضْوَانِهِ، وَ ذُرْوَةَ دَعَائِمِهِ، وَ سَنَامَ طَاعَتِهِ،- خداوند نهایت خشنودی و بلندترین نقطه ستون‌های ادیان خود را در آن قرار داد. و عالیترین درجه اطاعت از خود را در پیروی آن نهاد. **ک**) **مقابله با ریاکاری: فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَثِيقُ الْأَرْكَانِ، رَفِيعُ الْأَنْبِيَانِ، مُبِيرُ الْأَبْرَهَانِ، مُضِيءُ النَّبْرَانِ، عَزِيزُ السُّلْطَانِ، مُشْرِفُ الْمَنَارِ، مُعَوِّذُ الْمَتَارِ-دین اسلام در نزد خدا دینی است با ارکانی استوار و بنیانی رفیع و برهانی روشن و چراغی تابان و قدرتی پیروزمند و نشانه‌هایی بلند، که کس را یاری خلاف آن نیست. **ک**) **مقابله با جاه‌طلبی: فَشَرَّفُوهُ، وَتَبَعُوهُ، وَأَدُّوا إِلَيْهِ حَقَّهُ، وَ ضَعُّوهُ مواضعه-پس بزرگش دارید و پیرویش کنید و حقش را ادا نمایید و در موضع عز خود جایش دهید(فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۱۹۸: فراز ۱۲-۲۰)****

۴-۱-۳) **راهبرد اقتصادی:** نظر به شاخص‌های احصاء شده برای تهدید اقتصادی که در مباحث قبل به آن اشاره گردید نهج البلاغه برای مقابله با تهدیدات متصور راهبرد زیر را ارائه می‌شود:

۴-۱-۳-۱) راهبرد توسعه اقتصادی: راهبرد فوق را حضرت چنین ترسیم می‌فرمایند: «... وَ يَشْتَرِطُ عَلَيَّ الَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرُكَ الْمَالَ عَلَى أَصُولِهِ، وَ يُنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أَمَرَ بِهِ وَ هَدَى لَهُ، وَ أَنْ لَا يَبِيعَ مِنْ أَوْلَادِهِ نَخِيلَ هَذِهِ الْقُرَى وَ دِيئَهُ حَتَّى تُشَكَلَ أَرْضُهَا غِرَاسًا-ترجمه: شرط می‌کنم که اصل مال را به همان گونه که هست باقی گذارد و از ثمره آن هزینه کند، به شیوه‌ای که بدان مأمور شده و راهنمایی گشته‌است. دیگر اینکه، نهال‌های نخل‌های آن قریه‌ها را نفروشد تا به قدری فراوان گردند که شناختن نخلستان‌ها برای کسی، که آنها را پیش از این دیده‌است، دشوار باشد...» (دشتی، ۱۳۷۹: نامه ۴۰۳)

۴-۱-۳-۲) راهبرد نظارت بر مسئولین: این راهبرد چنین ترسیم شده «... ثُمَّ تَقَعَّدُ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأَمُورِهِمْ حَدْوَةٌ لَهُمْ عَلَيَّ اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ- ترجمه: سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه برآنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود» (همان، فراز:

۳. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۳-۱. نتیجه‌گیری: به طور کلی تدوین گزارش تحقیق آخرین مرحله فرایند پژوهشی به شمار نمی‌رود؛ زیرا اغلب پژوهش‌های علوم رفتاری به منظور هدف‌های بنیادی و کاربردی در زمینه‌های مختلف انجام می‌شود. اگر پژوهشگر نتواند نظرات و نتایج تحقیق خود را به صورت روش قابل فهم بیان کند. به کار علمی وی لطمه خواهد خورد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۷: ۲۵) از همین جهت محقق براین باور است نظر به نگاه بسیط و ژرف نهج البلاغه به تهدیدات و راهبردهای مقابله با آن؛ پنج سطح امنیت به شرح زیر برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد:

۳-۱-۱. امنیت سیاسی: نظر به اینکه تهدید سیاسی قدرت، حاکمیت و کلیت نظام سیاسی را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... وَ زَيْنُ الْوَلَدِ نِيْرُوْهُای مسلح ... زینت والیان» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳ ۶۱) و نظر به راهبرد: «الْأَمَانَةُ نِظَامًا لِلْأَمَّةِ، وَ الطَّاعَةُ تَعْظِيمًا لِلْإِمَامَةِ» - امامت را برای نظام امت و اطاعت را برای بزرگداشت امام» (دشتی، ۱۳۸۲، حکمت: ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت سیاسی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۳-۱-۲. امنیت نظامی: نظر به اینکه تهدید نظامی مرزهای جغرافیایی نظام را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «وَ الْجِهَادُ عِزُّ الْإِسْلَامِ - وَ جِهَادٌ رَا بَرای عزت و ارجمندی اسلام» (همان، حکمت: ۲۵۲) و نظر به راهبرد: «... فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَ أَعِدُّوا لَهَا عُذَّتَهَا فَقَدْ شَبَّ لَطَافُهَا وَ عَلَا سَنَاهَا» - ترجمه: برای جنگ را آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش کارزار فروخته شده و شعله آن بالا گرفته است» (همان، خطبه ۲۶: فراز ۵) بهترین ظرفیت امنیت نظامی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۳-۱-۳. امنیت اقتصادی: نظر به اینکه تهدید اقتصادی سیستم تولید و استقلال اقتصادی نظام را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... وَ سَبُلُ الْأَمْنِ - نیروهی مسلح ... راهها به آنها امن گردد» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳ ۶۱) و نظر به راهبرد: «وَ الزَّكَاةُ تَسْبِيْبًا لِلرِّزْقِ - زکات را برای رسیدن روزی» (شیروانی، ۱۳۹۱: حکمت ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت اقتصادی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۳-۱-۴. امنیت اجتماعی- فرهنگی: نظر به اینکه تهدید این حوزه هویت و انسجام اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد با توجه به راهبرد «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... حُصُونُ الرَّعِيَّةِ - نیروهی مسلح ... دژهای استوار رعیت‌اند» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳) و نظر به راهبرد «... أَلْتَهَى عَنِ الْمُتَكَبِّرِ رِذْعًا لِلْسُّفَهَاءِ - نهدی از منکر را برای باز داشتن سفیهان از زشتی‌ها» (دشتی، ۱۳۸۳: حکمت ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت اجتماعی- فرهنگی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۵-۳-۱. امنیت اعتقادی: نظر به اینکه تهدید این حوزه باورها و ارزشهای اعتقادی مسلمانان را به مخاطره می‌اندازد؛ با توجه به راهبرد: «فَالْجُنُودُ بِأَذْنِ اللَّهِ...عَزَّوَجَلَّ نِירוهای مسلح ... دین خدا به آنها عزت یابد» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳ ۶۱) و نظر به راهبرد: «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيْرًا مِنَ الشُّرْكِ خنداوند ایمان را واجب نمود، برای پاکی دلها از شرک» (شیروانی، ۱۳۹۱: حکمت ۲۵۲) بهترین ظرفیت امنیت اعتقادی برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

۲-۳. **پیشنهادات:** نظر به چشم‌انداز نظام اسلامی که حضرت امام^(ع) چنین ترسیم فرمودند: «...جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست جنگ ما جنگ فقر و غنا بود جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. (همان، ج ۲۱: ۲۸۶) و نظر به اینکه: «...مطلب مهم در هر پژوهش علمی این است که کار تحقیقی باید همیشه با اجتهاد و اظهار نظر توأم باشد و محقق در پایان کار براساس مطالعات انجام شده به طور قاطع نظر خود را در باره موضوع اعلام دارد تا به گسترش دامنه معرفتی علم و یافته‌های موجود کمک نماید. در غیر این صورت، تحقیق از ارزش علمی بالائی بر خوردار نبوده و اعتبار علمی زیادی نخواهد داشت...همین فرآیند، از طریق تازه‌آفرینی تحقیقات علمی باعث غنی شدن و تقویت ادبیات یک حوزه علمی شده، در یک حرکت جمعی هماهنگ قلمرو معرفتی انسان را افزایش و توسعه داده، علم و فناوری را دائماً تکامل و گسترش می‌دهد» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲۱) در راستای ارتقاء سطح معرفت مدافعان نظام اسلامی به تهدیدات متصور و نهادینه شدن راهبردها؛ پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱-۲-۳. سطح پژوهشی:

۱-۲-۳-۱. کارگروهی متشکل از متخصصین حوزه و دانشگاه در راستای تبیین و تشریح ابعاد تهدید و شاخص‌های هر بعد و سایر ابعاد که در نوشتار حاضر قابل ارائه نبود مجاهدت نمایند.

۲-۲-۳-۲. همایش ملی با همکاری مراکز علمی و تحقیقاتی حوزه و دانشگاه در راستای جمع‌آوری نظرات متخصصین این حوزه برگزار شود.

۳-۲-۳-۳. مؤلفین متعهد و متخصص در این خصوص اقدام به تألیف آثار علمی نمایند.

۲-۲-۳-۲. **سطح آموزشی:** مراکز آموزشی نیروهای مسلح خصوصاً در سطوح راهبردی و حوزه‌های علمیه بخشی از منابع درسی را به این امر اختصاص دهند.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ (قمی، ۱۳۸۴: ۵۰)



منابع:

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای (۱۳۷۶) قم: انتشارات لقاء.
- آزر، ادوارد و همکار (۱۳۷۹) به سوی اندیشه بدیل در امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امام خمینی (□) روح الله (۱۳۶۸) صحیفه نور جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (□).
- امام خمینی (□) روح الله (۱۳۶۸) صحیفه نور جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (□).
- امین، سید محمد حسین (۱۴۰۶ ه. ق) اعیان الشیعه، بیروت: انتشارات دارالتعارف.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸) «مردم، دولت و هراس» تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران، (۱۳۸۳) مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و همکار، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سرمد، زهره و همکاران (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- شیروانی، علی (۱۳۹۱) ترجمه نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.
- دشتی، محمد (۱۳۸۳) «ترجمه نهج البلاغه»، قم: انتشارات لاهیجی.
- دشتی، محمد (۱۳۸۲) امام علی (□) و امور نظامی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (□).
- دشتی، محمد (۱۳۸۱) امام علی (□) و نظارت مردمی، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (□).
- دشتی، محمد (۱۳۷۹) امام علی (□) و اقتصاد، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (□).
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (بی تا) نگاهی به امنیت از منظر امیرالمؤمنان (□) تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی حکومت اسلامی شماره ۱۸.
- دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷) «تهدیدات قدرت ملی»، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷)، «نظریه امنیت» تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- ذوالفقاری، حسین و عصاریان‌نژاد، حسین (۱۳۸۹)، رویکرد امنیت داخلی در مقابله با تهدید نرم، تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی شماره ۲۹ دانشگاه دفاع ملی.
- رهبر، محمد تقی (۱۳۶۸)، سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (□) تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

- روش‌اندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۷)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۲) امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه، فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، شماره پانزدهم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱) منشور فرماندهی کارآمد در نیروی انتظامی از منظر نهج البلاغه، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره پانزدهم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۲) نقش بصیرت در ارتقاء توان رزم نیروهای مسلح فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرددفاعی، شماره ۴۴، تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
- خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱) بررسی ابعاد اطلاعات در عصر اطلاعات، فصلنامه، علمی-ترویجی مدیریت پژوهش‌های دفاعی، شماره ۶۷، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- قمی شیخ عباس (۱۳۸۴) مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، قم: نشر محمد.
- غرویان محسن و همکاران (۱۳۸۱) صحیفه سجادیه، قم: الهادی.
- فیض الاسلام سیدعلی نقی، (۱۳۶۵ ه.ش)، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات فقیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳) بحارالانوار، بیروت: انتشارات دارالحیاء.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰) پیام امیرالمؤمنین شرح جدیدی بر نهج البلاغه، جلد ۵، قم: انتشارات علی ابن ابی طالب.
- (۱۳۹۰) پیام امیرالمؤمنین شرح جدیدی بر نهج البلاغه، جلد ۹، قم: انتشارات علی ابن ابی طالب

